

دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه‌ریزی درسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

شماره بیستم - زمستان ۱۳۸۷

صص ۱۱۰ - ۷۳

روند رشد کمی آموزش عالی خصوصی و دولتی در کشور جمهوری اسلامی ایران

فریده آل آقا^۱ - محسن کشاورز^۲ - محسن رحیمی^۳

چکیده

امروزه نیروی انسانی متخصص و ماهر مهمترین عنصر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها محسوب می‌شود. نقش سرمایه انسانی یک کشور در میزان رشد و توسعه اقتصادی آن اهمیتی بیش از گذشته یافته است، بنابراین سرمایه‌گذاری در آموزش عالی یکی از اساسی‌ترین راهها برای دستیابی به توسعه اقتصادی- اجتماعی محسوب می‌شود. با توجه به نقش حیاتی آموزش عالی در تربیت نیروی انسانی، گسترش آموزش عالی به لحاظ کمی و کیفی در کشور ایران که کشوری در حال توسعه است، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. هدف کلی این پژوهش، بررسی روند رشد مؤسسات آموزش عالی خصوصی در کشور ایران و مقایسه آن با مؤسسات

۱- دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران (دکترای برنامه‌ریزی آموزشی از دانشگاه UCL آمریکا)

۲- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران (نویسنده مسؤول)

keshavarz_mohsen@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران

آموزش عالی دولتی است. این پژوهش از نوع کاربردی و روش تحقیق آن توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش نیز شامل کلیه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی (دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه غیرانتفاعی) کشور ایران است و برای بررسی عمیق آن سرشماری کامل انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در دو دهه اخیر امکانات و بودجه دولتی نتوانسته پاسخگوی این ضرورت باشد، لذا تأسیس، توسعه و تجهیز دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی و غیردولتی که بخش اعظم آن را دانشگاه آزاد اسلامی تشکیل می‌دهد، مورد توجه ویژه قرار گرفته و رشد چشمگیری نیز داشته است. هم اکنون تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در بخش خصوصی حتی بیش از دانشجویان بخش دولتی است (بازرگان، ۲۰۰۰). به لحاظ وظیفه خطیری که بر عهده این بخش است، دانش دقیق از توانمندی‌های این بخش و برنامه‌ریزی برای آینده آن از اهمیتی انکارناپذیر برخوردار است. بنابراین در این پژوهش ابتدا زمینه‌های ایجاد و روند توسعه آموزش عالی خصوصی در بعضی کشورهای جهان مورد کند و کاو قرار گرفته و سپس با ارائه تاریخچه مختصری از آموزش عالی خصوصی در کشور جمهوری اسلامی ایران، روند رشد مؤسسات آموزش عالی خصوصی و دولتی در آن، بررسی می‌شود.

کلید واژه‌ها: مؤسسات آموزش عالی، آموزش عالی خصوصی، دانشگاه غیرانتفاعی، دانشگاه آزاد اسلامی، رشد آموزش عالی، رشد کمی آموزش عالی دولتی.

مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۹۸۰ هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای در حال توسعه، دولتها متولی اصلی آموزش عالی بودند. طی دهه ۱۹۸۰ به دلیل هزینه‌های بالای آموزش عالی و توجه دولتها به آموزشهای ابتدایی، سرمایه‌گذاری آنها در بخش آموزش عالی کاهش یافت. در دهه ۱۹۹۰ شرایط تغییر یافت. دولتها به این نتیجه رسیدند که بدون آموزش عالی تربیت متخصصان مورد نیاز امکان‌پذیر نیست، جمعیت مدرسه‌رو و به تبع آن تقاضا برای آموزش عالی به شدت افزایش یافت. از طرفی با ایجاد و گسترش پدیده جهانی شدن، کشورها پی بردند که تنها راه موفقیت و پیشی گرفتن در جامعه، دانشی است که از طریق آموزش عالی امکان‌پذیر می‌گردد. متأسفانه اغلب کشورها توان پرداخت چنین هزینه‌هایی را نداشتند، لذا برای پر کردن شکاف

میان عرضه و تقاضا، دانشگاههای خصوصی به سرعت رشد کردند و به بزرگترین عرضه‌کننده‌های آموزش عالی تبدیل شدند (یونسکو^۱، ۲۰۰۴).

بحث خصوصی‌سازی در آموزش عالی نیز به‌طور عمده به دلیل رفع چنین کاستی‌هایی مطرح می‌شود؛ چرا که بودجه‌های دولتی آموزش عالی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی از رشد چندانی برخوردار نبوده است و حتی رو به رکود گذاشته است (تیلج^۲، ۱۹۹۱). با این حال در اوایل قرن ۲۱ تأمین خدمات آموزشی به سمت بازار یا مشتری‌مداری گرایش پیدا کرده و بخش خصوصی به‌عنوان سریع‌ترین و پویاترین بخش آموزش عالی مطرح شده است. تقاضای رو به افزایش از یک طرف و کاهش توان مالی دولتها یا علاقه نداشتن آنها به سرمایه‌گذاری در این بخش بر اهمیت بخش خصوصی افزوده است (التباخ^۳، ۱۹۹۹).

خصوصی‌سازی در واقع کاربرد اصول و قوانین بازار در مؤسسات دولتی یا خصوصی است (یونسکو، ۲۰۰۲). اصطلاح خصوصی‌سازی، در آموزش عالی به فرایند یا گرایشی گفته می‌شود که در آن مدارس عالی و دانشگاهها (اعم از دولتی و خصوصی) منش‌ها یا هنجارهای عملی مربوط به بخش خصوصی را در پیش می‌گیرند. خصوصی‌سازی دال بر سوگیری نسبت به دانشجو به عنوان مشتری، توجه به اعتبار مؤسسات رقیب و وضعیت بازار کار و افزایش درآمد خالص و بازاریابی فعال است. هواداران افراطی خصوصی‌سازی در آموزش عالی معتقدند که این موضوع مدارس عالی و دانشگاهها را هرچه بیشتر نسبت به نیازهای دانشجویان و کارفرمایان پاسخگو می‌کند و به علاوه موجب ایجاد نوعی بهره‌وری می‌شود که قادر است اهداف مؤسسه را هرچه هست، بهبود بخشد (جانستون^۴، ۲۰۰۳).

از نظر یونسکو دانشگاههای خصوصی ویژگیهای خاصی دارند از جمله اینکه:

- ۱- از نظر تجهیزات و امکانات در سطح بالاتری از دانشگاههای دولتی قرار دارند.
- ۲- توانایی پاسخ به نیازهای بازار در زمان مناسب و لازم را دارند. در واقع آنها دانشجویان را برای بازار کار و نه برای پیوستن به صفوف بیکاران تربیت می‌نمایند.

1 – Unesco

2 – Tilaj

3 – Altbakh

4 – Johnstone

- ۳- بیشتر از رویکرد فردی برای تدریس بهره می‌گیرند.
- ۴- از استادان بسیار عالی یعنی از بهترین استادان دانشگاه‌های دولتی استفاده می‌نمایند.
- ۵- از تجهیزات و امکانات بسیار خوبی برخوردار هستند و از روشهای آموزشی بسیار جذاب و اثربخش استفاده می‌کنند.
- ۶- اداره آنها به صورت دموکراتیک انجام می‌شود.
- ۷- با ارائه آموزشهای با کیفیت و ایجاد تعادل بین بخشهای عملی و نظری، زندگی متعالی را برای دانشجویان فراهم می‌سازند (یونسکو، ۲۰۰۲).
- لورین معتقد است با تغییرات گسترده‌ای که در دنیای امروزی شاهد آن هستیم، ۶ عامل اساسی باعث توسعه و رشد آموزش عالی خصوصی شده است: ۱- اقتصاد مبتنی بر دانش ۲- تغییر در ترکیب دانشجویان ۳- نبود بهره‌وری آموزش عالی دولتی ۴- ایجاد فناوری‌های جدید ۵- همگرایی سازمانها ۶- بی‌اعتمادی مردم به بخش دولتی (لورین، ۲۰۰۴).
- در دهه‌های گذشته تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی روند رو به رشدی داشته است، به گونه‌ای که طی سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۰ تعداد کل دانشجویان در سطح جهان از ۶۸/۶ میلیون به ۱۱۰/۷ میلیون نفر افزایش یافته است (سانبال و مارتین^۱، ۲۰۰۶). در آغاز قرن بیست و یکم سنجش کیفیت دانشگاهها و سایر مراکز آموزش عالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. از جمله دلایل این امر جهانی شدن، توجه به اقتصاد جهانی- محور در برنامه‌های توسعه پایدار و نیز ضرورت گسترش فرصتهای آموزش عالی برای عده بیشتری از داوطلبان است (کشاورز، ۱۳۸۷).
- در حال حاضر کیفیت آموزش عالی در دستور کار آموزش عالی اکثر کشورها در سراسر جهان قرار گرفته است. در بافت در حال تغییری که با جهانی‌سازی فعالیتهای اقتصادی و گسترش آموزش عالی نمایان شده است، آموزش عالی به یک دغدغه ملی با ابعاد بین‌المللی تبدیل شده است. کشورها برای کنار آمدن با این محیط متحول تحت فشار قرار گرفته‌اند تا کیفیت آموزش عالی را با معیارهای قابل قبولی در سطح ملی و بین‌المللی تأمین و تضمین نمایند (استلا^۲، ۲۰۰۳). به عبارت دیگر براساس الگوی

1 - Levine

2 - Sanyal & Martin

3 - Stella

عناصر سازمانی باید برای بهبود کیفیت نظام آموزش عالی، به تمام عناصر اعم از درون‌داد، فرایند، محصول، برون‌داد و پیامد توجه داشت. یکی از جنبه‌های مهم درون‌داد موضوع دانشجویان و به عبارتی تقاضا برای آموزش عالی و میزان ثبت نام در آن است که بحث اصلی این پژوهش است (بازرگان، ۱۳۸۳).

از مسائل کنونی که کیفیت آموزش عالی را به شدت تحت تأثیر قرار داده مسأله تقاضا برای ورود به آموزش عالی دولتی و خصوصی است. به عبارت دیگر مطالعه در زمینه میزان ثبت نام در آموزش عالی از ضروری‌ترین مباحث مطالعاتی در زمینه نظام آموزش عالی کشور محسوب می‌شود، زیرا اولاً تقاضای رو به افزایش برای ورود به آموزش عالی و به خصوص آموزش عالی خصوصی موجب گسترش بی‌رویه و بی‌برنامه دانشگاهها، کاهش کیفیت آموزش و کاهش نسبت دانشجو به استاد شده و ثانیاً نظام آموزش عالی ایران ناگزیر برای بر آوردن تقاضای اجتماعی ورود به آموزش عالی تا حد بسیار زیادی از سایر کارکردهای خود از جمله تولید و توسعه دانش جدید و پرورش نیروی انسانی پژوهشگر مورد نیاز بخشهای مختلف کشور بازمانده است.

اولین و مهمترین اقدام برای برنامه‌ریزی مناسب، انجام تحقیقات و کسب اطلاعات مناسب در زمینه وضعیت گذشته و حال آموزش عالی دولتی و خصوصی است. به همین دلیل در اینجا سعی شده، میزان ثبت نام در آموزش عالی خصوصی بررسی شود که بخش عظیمی از آموزش عالی و به عبارتی نیمی از آن را تشکیل می‌دهد، امید است که با انجام پژوهش‌هایی از این دست بتوان برای آموزش عالی ایران به‌طور علمی‌تر و خردمندانه‌تر برنامه‌ریزی کرد و آن را به سوی آموزشی کارآتر و اثربخش‌تر سوق داد تا وظیفه خود را که همانا توسعه و تولید دانش جدید، بر آوردن تقاضای اجتماعی برای پرورش تواناییهای بالقوه و تسهیل فرایند یادگیری، کمک به تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی و پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور است به بهترین شکل انجام دهد. همچنین در ارتباط با موضوع پژوهش سوابق تحقیقاتی گسترده‌ای وجود ندارد و این پژوهش برای اولین بار به این مقوله پرداخته است.

هدف کلی این پژوهش، مشخص کردن روند رشد کمی مؤسسات آموزش عالی خصوصی در کشور ایران و مقایسه آن با مؤسسات آموزش عالی دولتی است. در این راستا از طریق اطلاعات گردآوری شده، به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود:

- ۱- تعداد مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی (دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی، مؤسسات غیرانتفاعی، دانشگاه آزاد)، بین سالهای ۱۳۸۷-۱۳۴۸ در کشور ایران چگونه است؟
- ۲- روند ثبت‌نام دانشجویان در مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی بین سالهای ۱۳۸۷-۱۳۴۸ در کشور ایران چگونه است؟
- ۳- میزان ثبت‌نام در مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی ایران بر حسب مقطع تحصیلی بین سالهای ۱۳۸۷-۱۳۶۱ چگونه است؟
- ۴- میزان مشارکت دانشجویان زن در مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی بین سالهای ۱۳۸۷-۱۳۶۰ در کشور ایران چگونه است؟
- ۵- تعداد و نحوه همکاری اعضای هیأت علمی در مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی بین سالهای ۱۳۸۷-۱۳۷۷ در کشور ایران چگونه است؟

روند توسعه آموزش عالی خصوصی در جهان

مفهوم آموزش عالی خصوصی، واژه جدیدی نیست. در آسیا معمولاً آموزش عالی خصوصی هسته مرکزی آموزش عالی را تشکیل می‌دهد است. این نوع آموزش در کشورهایمانند ژاپن، کره جنوبی، تایوان، اندونزی و فیلیپین نقش بسیار مهمی بازی می‌کند. در این کشورها در حدود ۸۰ درصد دانشجویان در دانشگاههای خصوصی ثبت‌نام می‌کنند. طبق گزارشها این نوع آموزش در کشورهایی مثل چین، ویتنام و دیگر کشورهای آسیای مرکزی به شدت در حال رشد است (التباج، ۲۰۰۲).

آموزش عالی خصوصی بخش عظیم و در حال رشد آموزش عالی در دهه‌های اخیر را شامل می‌شود؛ اگرچه بیشتر رشد آموزش عالی در بخش دولتی اتفاق افتاد، اما بخش خصوصی نیز از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. افزایش میزان ثبت‌نام سیاست واقعی اکثر کشورها بوده است. بسیاری از کشورها با ثبت‌نام حداقل ۱۵ درصد از افراد سنین دانشگاه‌رو (۲۴-۱۸) خود، آموزش عالی گسترده‌ای را ایجاد نموده‌اند. میزان ثبت‌نام در آموزش عالی خصوصی در بین کشورهای پیشرفته بجز ژاپن با ۷۷ درصد آموزش عالی خصوصی و آمریکا با ۲۵ درصد، در بقیه کشورهای پیشرفته از جمله کشورهای اروپای غربی رشد چندانی نکرده است. این موضوع برای بقیه نقاط

دنیا متفاوت است. با سقوط کمونیسم و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ثبت نام آموزش عالی خصوصی در بخش های زیادی از اروپای شرقی و مرکزی و کشورهای تازه استقلال یافته به طور چشمگیری افزایش یافت (لوی^۱، ۲۰۰۶b). در قاره آسیا در کشورهایی مثل بنگلادش، اندونزی، پاکستان، ژاپن، کره و فیلیپین ثبت نام در مؤسسات آموزش عالی خصوصی بیش از مؤسسات آموزش عالی دولتی است و در فیلیپین و ژاپن این میزان به سه چهارم میزان ثبت نام می رسد.

این موضوع در کشورهای پیشرفته به بیش از ۵۰ درصد و در بعضی کشورهای در حال توسعه به بیش از ۳۰ درصد نیز رسیده است. در بین کشورهای پیشرفته بجز ژاپن گسترش آموزش عالی از طریق آموزش عالی دولتی صورت پذیرفته و آموزش عالی خصوصی معمولاً نقش مکمل داشته است. این موضوع حتی برای آمریکا که آموزش عالی خصوصی آن در جایگاه بسیار بالایی قرار دارد و بهترین آموزش عالی خصوصی جهان را دارد، نیز صادق است. اگرچه در میانه های قرن بیستم سهم آموزش عالی خصوصی از آموزش عالی آمریکا به نصف رسیده بود، ولی بعد از جنگ جهانی دوم با گسترش سریع آموزش عالی دولتی این مقدار به یک چهارم کاهش یافته و اکنون نیز همین نسبت ثابت مانده است. آموزش عالی خصوصی در آمریکا، آموزشی با کیفیت بالا، مخارج بالا و معتبر از یک طرف و توجه به تفاوت های فرهنگی و ارائه خدمات اضافی از طرف دیگر است. با توجه به بودجه های عظیمی که در اختیار این مؤسسات است، عملکرد خوب آنها تعجب آور و دور از انتظار نیست، این در حالی است که دانشگاهها و دانشکده های دولتی با مشکلات مالی روبه رو هستند. در مورد آموزش عالی خصوصی اهداف کوتاه مدت و توجه به نیازهای بازار نسبت به اهداف بلندمدت و اهداف علمی از اهمیت بیشتری برخوردار است (بلامن استیک^۲، ۲۰۰۳).

مؤسسات آموزش عالی خصوصی در آلمان از نظر تعداد کوچک هستند به گونه ای که حدود ۳ درصد از کل دانشجویان این کشور در این مؤسسات مشغول به تحصیل هستند و تعداد آنها از ۱۹۰۰۰۰۰ دانشجوی در آلمان ۷۱۵۸۰ نفر است. از این تعداد نیز یک درصد در مؤسسات وابسته به کلیسا مشغول هستند. در سال تحصیلی

1 – Levy

2 – Blumen styk

۲۰۰۴-۲۰۰۳، ۴۵۹۶۰ نفر در مؤسسات آموزش عالی خصوصی و ۲۵۸۹۰ نفر نیز در مؤسسات آموزش عالی خصوصی وابسته به کلیسا ثبت‌نام کرده‌اند. در طی سالهای اخیر تعداد این مؤسسات و میزان ثبت‌نام در آنها افزایش یافته است. در حال حاضر ۹۸ مؤسسه آموزش عالی خصوصی به ثبت رسیده است. ایجاد مؤسسات آموزش عالی خصوصی در آلمان به دلیل مشکلات خاص آموزش عالی دولتی از قبیل انعطاف‌ناپذیری برنامه‌ها، نبود برنامه‌های متنوع و مشکلات کیفی بوده است. کمبود آموزش عالی دلیل اصلی ایجاد و رشد مؤسسات آموزش عالی خصوصی نیست، چون آموزش عالی دولتی در این کشور بسیار گسترده است، بنابراین دلایل ایجاد این مؤسسات، کیفیت، استانداردهای بالاتر، روشهای تدریس متفاوت، ظهور فناوری‌های نوین، توجه به تجربه‌های علمی و نیازهای بازار است. نشانه‌هایی از قبیل میزان افت و ترک تحصیل پایین گویای این مطلب است که این مؤسسات در دستیابی به اهداف خویش موفق بوده‌اند (استانک و زیگیل^۱، ۲۰۰۷).

در ایتالیا نیز همانند دیگر کشورهای اروپایی تغییرات و اصلاحاتی در آموزش عالی صورت پذیرفته است. مدارک از اعتبار قانونی برخوردار است و بین مدارک بخش خصوصی و دولتی تفاوتی وجود ندارد و از نظر اعتبار صلاحیت و سطح دانش بین فارغ‌التحصیلان دانشگاههای خصوصی و دولتی تفاوتی نیست. دانشگاههای خصوصی در ایتالیا از نظر ساختار دقیقاً شبیه دانشگاههای دولتی هستند، محتوای آموزشی و کیفیت استادان در هر دو یکسان است. در حقیقت این دو نوع دانشگاه از یکدیگر جدا نیستند و حتی در ارائه آمارها بخش مجزایی برای دانشگاههای خصوصی در نظر گرفته نمی‌شود. در ایتالیا ۷۷ مؤسسه آموزش عالی خصوصی مشغول فعالیت هستند که از این تعداد ۱۴ مؤسسه عنوان دانشگاه را دریافت کرده‌اند. در سال تحصیلی ۲۰۰۴-۲۰۰۳ تعداد کل دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی در ایتالیا ۱۱۰۶۲۴ نفر بود که از این تعداد حدود یک سوم (۳۷۴۱۷ نفر) در دانشگاه خصوصی میلان مشغول تحصیل بوده‌اند، در ضمن تعداد ثبت‌نام‌کنندگان جدید در این سال ۲۱۵۸۷ نفر بوده است که ۷۴۰۱ نفر در این دانشگاه ثبت‌نام کرده‌اند (تریولتو^۲، ۲۰۰۷).

1 - Stannek & Ziegele

2 - Trivellato

آموزش عالی در فنلاند مثل بقیه بخش‌ها به صورت متمرکز برنامه‌ریزی می‌شود، و در جهت ایده سوسیالیسم بوده است. تغییرات سیاسی و اقتصادی که در سال ۱۹۹۰ صورت گرفت، آموزش عالی را نیز دستخوش تغییرات زیادی کرد. طبق قوانین جدید دولت باید کمترین مداخله را در آموزش عالی داشته باشد. اصلاحات و تغییرات در آموزش عالی فنلاند باعث توسعه آموزش عالی به خصوص از طریق مؤسسات غیردولتی شد. در سال تحصیلی ۲۰۰۵-۲۰۰۴، ۱۹۲۶۰۰۰ دانشجوی در این کشور مشغول تحصیل بوده‌اند که در مقایسه با سال تحصیلی ۱۹۹۱-۱۹۹۰ تعداد دانشجویان در مؤسسات آموزش عالی ۳۸ درصد افزایش داشته است. طی همین سال، ۴۲۷ مؤسسه آموزش عالی در کشور فنلاند وجود داشته است که از این تعداد ۱۲۷ باب دولتی و ۳۰۱ باب غیردولتی بوده‌اند. مؤسسات آموزش عالی دولتی ۱۳۳۷۰۰۰ (حدود ۷۰ درصد) و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی ۵۸۰۰۰۰ (حدود ۳۰ درصد) از کل دانشجویان را ثبت‌نام کرده‌اند (جابلیکا^۱، ۲۰۰۷).

در کشور روسیه نیز آموزش عالی مثل بقیه جنبه‌های زندگی اجتماعی، از آغاز دهه ۱۹۹۰ تغییرات گسترده‌ای یافته و مهمترین توسعه، شکل‌گیری آموزش عالی خصوصی و غیردولتی و تمایل به ساز و کار بازار و خصوصی کردن سیستم‌ها بوده است. آموزش عالی روسیه متشکل از ۶۵۴ مؤسسه دولتی و ۳۹۲ مؤسسه غیردولتی است، مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی از نظر سیاستهای آموزشی، راهکارها، تضمین کیفیت و برنامه‌های درسی و غیره تحت کنترل وزارت علوم و آموزش دولت فدرال است. عامل اصلی رشد آموزش عالی روسیه ایجاد مؤسسات آموزش عالی غیردولتی است، از سال ۱۹۹۲ ایجاد این مؤسسات قانونی شده و تعداد این مؤسسات به حدود ۴۰۰ دانشگاه و دانشکده رسیده و در حال حاضر ۳۷ درصد از کل مؤسسات آموزش عالی را تشکیل می‌دهند. به‌طور کلی، از ۴۵۱ مؤسسه به وجود آمده در دهه ۱۹۹۰، ۸۰ درصد آنها خصوصی بوده‌اند. بین سالهای ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ میزان رشد مؤسسات آموزش عالی، ۵۰ مؤسسه در سال بوده، اما بعد از ۱۹۹۸ به علت بحران‌های اقتصادی، رشد این مؤسسات ثابت مانده است (ساسپیتسین^۲، ۲۰۰۷).

1 – Jablecka

2 – Suspitsin

نظام آموزش عالی ترکیه متمرکز و زیر نظر شورای آموزش عالی این کشور است. این شورا کار برنامه‌ریزی، سازماندهی و نظارت بر فعالیتهای مؤسسات آموزش عالی را بر عهده دارد. در دهه ۱۹۶۰ با توجه به توسعه سیاستهای آموزشی لیبرالی، بخش خصوصی اجازه فعالیت در برنامه‌های آموزشی را پیدا کرد. بین سالهای ۱۹۷۲-۱۹۶۳ تعداد این مؤسسات خصوصی به ۴۱ عدد رسید و بیش از ۵۰۰۰۰ دانشجو در آن تحصیل می‌کردند. طی این مدت این مؤسسات با مشکلات مالی و کیفی زیادی روبه‌رو شدند و به تدریج اعتبار علمی و اجتماعی خویش را از دست دادند. در سال ۱۹۷۱ کلیه این مؤسسات زیر نظر دانشگاههای دولتی درآمدند و همگی آنها دولتی شدند. در سال ۱۹۸۴ افزایش تقاضا برای آموزش عالی باعث احیای مجدد این مؤسسات شد و اولین دانشگاه خصوصی تأسیس شد. اکنون بعضی از این مؤسسات شرایط یادگیری و تدریس متفاوتی ایجاد کرده‌اند و از نظر پاسخگویی به نیازهای بازار کار در سطح بین‌المللی بهتر عمل نموده‌اند. بعد از سال ۱۹۹۹ بخش خصوصی به شدت گسترش یافت و از ۷ مؤسسه در سال ۱۹۹۹ به ۲۴ مؤسسه در سال ۲۰۰۵ افزایش یافت. در سال ۲۰۰۵، ۷۷ مؤسسه آموزش عالی در ترکیه وجود داشت که ۵۳ مؤسسه دولتی و ۲۴ مؤسسه خصوصی بودند. بخش خصوصی ۷/۵ درصد از کل ثبت‌نام در آموزش عالی را پوشش می‌دهد. انتظار می‌رود تا سال ۲۰۱۰ سهم آن به ۱۰ درصد برسد (میزکاسی، ۲۰۰۷).

اگرچه مدارس ابتدایی و دبیرستانهای خصوصی قبل از دانشگاههای خصوصی اجازه فعالیت یافته‌اند، ولی دانشگاههای خصوصی از رشد بیشتری برخوردار شده‌اند و سهم بیشتری از آموزش خصوصی را به خود اختصاص داده‌اند. سیاستهای بخش دولتی بر میزان ثبت‌نام در آموزش عالی تأثیر بسزایی دارد، ولی معمولاً این سیاستها دارای نواقصی است و بخش دولتی توانایی تأمین مالی تقاضای رو به رشد را ندارد. در بعضی موارد سیاستهایی برای توانمندسازی، ارتقا و هدایت این مؤسسات صورت می‌پذیرد ولی در بیشتر موارد فقط اجازه تأسیس این مؤسسات داده می‌شود (لوی، ۲۰۰۶a).

دانشگاههای دولتی، منابع، تجهیزات، برنامه‌های درسی و روشهای ارزیابی را فراهم می‌سازند؛ دانشکده‌های خصوصی نیز تقاضاها را پوشش می‌دهند و ترکیب این

دو در نهایت میزان دسترسی را افزایش می‌دهد. در مقایسه با دیگر روشهای افزایش دسترسی روش مشارکت، مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی را در کنار هم قرار می‌دهد. در این روش بیشتر مشارکت مدنظر قرار می‌گیرد نه رقابت و سعی می‌شود از تفاوت‌های بین مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی به صورت دوجانبه حداکثر استفاده به عمل آید (لوی، ۲۰۰۸). مهمترین موضوع برای توسعه آموزش عالی خصوصی، انعقاد قوانین و مقررات است. قانونگذاری متضمن اراده دولت برای توسعه آموزش عالی خصوصی است و به قوانینی اشاره می‌کند که دولت برای تنظیم رفتار افرادی که در زمینه آموزش عالی فعالیت می‌کنند ایجاد می‌کند. توسعه آموزش عالی خصوصی نه تنها نیازمند ایجاد فضای مناسب برای رشد این گونه مؤسسات است، بلکه به یک سری قوانین و مقررات برای جلوگیری از رشد مؤسسات آموزش عالی خصوصی ناخواسته و غیرمتعارف نیز نیاز می‌باشد. این قوانین و مقررات در واقع هدایت‌کننده رفتار عمومی برای ایجاد این گونه مؤسسات است، از این رو وضع قوانین و مقررات درست، کارا و به‌هنگام می‌تواند متضمن رشد سالم آموزش عالی خصوصی گردد (یونسکو، ۱۹۹۵). برای دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق آموزش عالی بیش از هر مسأله دیگر باید خردمندان و اقتصادی عمل کرد. در چنین شرایطی است که سیاستگذاری و برنامه‌ریزی بهینه برای آموزش عالی مطرح می‌شود. تفاوت عمده بین گسترش آموزش عالی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۹۰ میلادی در این است که در اولی آموزش عالی دولتی و در دومی آموزش عالی خصوصی گسترش یافت. در حقیقت می‌توان گفت در دهه ۹۰ میلادی بیشتر کشورها به آموزش عالی خصوصی و نیمه‌خصوصی کردن سازمانهای دولتی رو آوردند. خصوصی‌سازی در واقع کاربرد اصول و قوانین بازار در مؤسسات دولتی یا خصوصی است (یونسکو، ۲۰۰۲).

تاریخچه آموزش عالی دولتی و خصوصی در ایران

تأسیس اولین مؤسسات آموزش عالی در ایران باستان به قرن سوم قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد. دانشگاه جندی شاپور در سال ۲۷۲ قبل از میلاد تأسیس گردید. با وجود این، دانشگاه به سبک امروزی تاریخچه طولانی در این کشور ندارد و اولین دانشگاه به سبک امروزی دانشگاه تهران است که در قرن بیستم ساخته شده است. این دانشگاه در

سال ۱۹۳۴ افتتاح گردید. در طول دو دهه بعد دانشگاههایی در نقاط دیگر کشور از جمله مشهد، شیراز و اصفهان ساخته شد (بازرگان، ۲۰۰۲).

تحولات آموزش عالی در ایران در ۸ دوره قابل بررسی است:

دوره اول: تأخیر (قرن ۱۲ تا ۱۸ م)

در این دوره که ۷۰۰ سال به درازا انجامید، با وجود تکوین و توسعه تدریجی پدیده جدید دانشگاه در محیط جهانی (مثل سوربون، آکسفورد، کمبریج و ...) از دل سنت‌های تعلیماتی غرب، جامعه ایران با وجود قابلیت‌هایش، دوره طولانی تعطیلات تاریخی خود را می‌گذراند و از قافله نوگرایی، عقب مانده و به تأخیر می‌افتد.

دوره دوم: تمهید (۱۱۷۷ تا ۱۲۸۵ ش)

پس از ۷۰۰ سال تعطیلات تاریخی، جامعه ایران از قرن ۱۹ در مدار نوگرایی قرار گرفت و در سلک دیرآمدگان نوآوری و توسعه درآمد. پنجاه سال پس از آغاز دوره تمهید، در ۱۲۲۷ شمسی (۱۸۵۱ م) دارالفنون تأسیس گردید. ۶۰ سال پس از آن وزارت علوم و سپس مدارس دولتی به وجود آمدند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰).

دوره سوم: تکوین (۱۲۸۵ تا ۱۳۱۳ ش)

پس از ۷ قرن تأخیر و یک قرن تمهید، آموزش عالی ایران وارد مرحله تکوین شد. آموزش جدید به سه مقطع ابتدایی، متوسطه و عالی تقسیم شد. وزارت معارف به نظارت بر آموزش عالی، اعزام دانشجویان به خارج، همکاری بین‌المللی در علوم و فنون و اشاعه و ترویج علم موظف شد. نخستین مراکز تربیت معلم و دانشسراها به وجود آمدند. مهمترین ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌های دوره تکوین؛ وابستگی شدید به بودجه دولتی، تصدی‌گری و سپس سلطه دیوان‌سالاری دولتی، نابرابری فرصتها برای زنان، تجمع آموزش عالی در مرکز سیاسی کشور و کند بودن فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری علمی جدید به علت بر نیامدن نهاد نوین آموزش عالی از متن نهادها و سنت‌های تعلیمی جامعه بود (فراستخواه، ۱۳۷۹).

دوره چهارم: تشکیل (۱۳۱۳ تا ۱۳۲۵ ش)

دانشگاه در ایران پس از هفت قرن تأخیر، یک قرن تمهید و یک ربع قرن تکوین، سرانجام در دهه دوم سده حاضر تشکیل شد. از حیث فراوانی گروههای عمده رشته تحصیلی علوم انسانی در آغاز با ۵۱/۷ درصد، سپس ۶۲/۸ درصد و در پایان دوره با ۵۲/۴ درصد بیشترین

مقدار فراوانی را در جمعیت دانشجویی کشور به خود اختصاص می‌داد. پزشکی با ۳۹ درصد در آغاز و ۳۰/۲ درصد در پایان، دومین رتبه را داشت، اما مهمترین موانع رشد و پویایی دانشگاه متناسب با جامعه بومی در دوره تشکیل عبارت بود از: گسست سنت و تجدد، دولتی بودن بیش از اندازه، تعداد ناکافی دانشجو (۱۲/۷ نفر دانشجو از میان هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) و تناسب نداشتن با نیازها (۵۲/۴ درصد علوم انسانی در قبال ۷/۲ درصد علوم پایه، ۵ درصد فنی و ۳ درصد کشاورزی). (فراستخواه، ۱۳۷۹).

دوره پنجم: تکثیر (۱۳۲۵ تا ۱۳۵۲ش)

پس از طی مراحل آمادگی و تأسیس دوره تکثیر، دانشگاه در ایران از نیمه دهه ۲۰ آغاز به کار کرد. بخش خصوصی و غیردولتی نیز در دهه ۴۰ قدری فعال شد. در آخر دهه ۴۰ و آغاز دهه ۵۰ سهم این بخش در آموزش کودکانستانی ۸۴/۷ درصد، دبستانی ۷/۴ درصد، دبیرستانی ۱۹/۲ درصد و آموزش عالی ۲۱ درصد بود. در این دوره شاخص تعداد دانشجو در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، (از ۱۲/۷ نفر در دوره قبل) به ۴۰۰ نفر و سهم زنان در آموزش عالی از حدود صفر در دوره تکوین به ۳۰ درصد رسید. سهم شهرهای دیگر غیر از تهران، در آموزش عالی از حدود صفر در دوره تکوین به ۴۳/۸ درصد در ۲۴ شهر افزایش یافت.

مهمترین کاستی‌های آموزش عالی در دوره تکثیر عبارت‌اند از: نبود توازن ملی (۵۶/۲ درصد در تهران و بقیه در دیگر نقاط کشور)، نبود توازن در رشد گروه‌های عمده رشته تحصیلی (علوم انسانی ۴۹ درصد، گروه پزشکی ۱۰ درصد و کشاورزی ۴ درصد)، ضعف‌های بخش غیردولتی (مثل گرایش به ۷۰ درصد سرمایه‌گذاری در علوم انسانی) و سرانجام اقتصاد تک پایه مبتنی بر درآمدهای نفتی (فراستخواه، ۱۳۷۹).

دوره ششم: توسعه ناتمام (۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش)

فکر و زمینه توسعه کیفی در بستر رشد کمی آموزش عالی قوت گرفت. تعداد دانشجو در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، ۴۸۶/۵ نفر شد. در ۲۶ دانشگاه با ۸۷ دانشکده و ۲۲۸ مؤسسه آموزش عالی دیگر، تعداد ۱۳۷۴ رشته تحصیلی دایر بود. دستیابی زنان به آموزش عالی به ۳۲ درصد رسید و در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی ۴۰ تا ۵۰ درصد ارتقا یافت. مهمترین آسیب‌پذیری‌ها و تضادهای آموزش عالی در این دوره عبارت‌اند از: تضاد میان ۱۶/۸ درصد ظرفیت پذیرش آموزش عالی نسبت به لشکر چند صد هزار

نفری دیپلمه‌ها، تضاد وابستگی زیرساختی شدید به دولت، ضعف‌های بخش غیردولتی، تضاد جلب مشارکت بخش خصوصی با تصدی‌گری دولت نفتی و آموزش رایگان عمومی و سرانجام تأخیر زیاده از حد آهنگ توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (فراستخواه، ۱۳۷۹).

دوره هفتم: تعطیل و تعویق (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷)

با انقلاب اسلامی سرمشق و برنامه توسعه دانشگاه به سبک غیردینی و با الگوی نوگرایی غربی به هم خورد، ولی به سرمشق و برنامه جایگزینی هم نرسید. در آموزش عالی به جای الگوی نیمه‌متمرکز و غیرمتمرکز قبلی، به طور رسمی الگوی متمرکز حکومتی مقرر شد، به‌ویژه که هیأت‌انها نیز در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۳ منحل شدند و از ۱۳۵۸ اعتبارات دانشگاهی از قالب حمایتی درآمد و در قالب تصدی‌گری و حاکمیت قرار گرفت.

دوره هشتم: تعدیل (۱۳۶۸ به بعد)

روند تحولات آموزش عالی در جهت رشد آغاز شد. هیأت‌انهای دانشگاهها دوباره به رسمیت شناخته شدند و اندیشه خودگردانی دانشگاهها قوت گرفت. دوره‌های تحصیلات تکمیلی گسترش یافت، آموزشهای علمی - کاربردی نهادینه شد و آموزش عالی، دوره‌ای از چالش مجدد را برای رشد آغاز کرد. اکثر شاخص‌های آموزش عالی در این دوره رشد پیدا کرد (فراستخواه، ۱۳۷۹). اکنون نظام آموزش عالی ایران از ۹ زیر گروه (۱- دانشگاههای جامع دولتی ۲- دانشگاههای علوم پزشکی دولتی ۳- دانشگاه آزاد اسلامی ۴- دانشگاههای غیرانتفاعی ۵- نظام آموزش عالی علمی - کاربردی ۶- دانشگاه نیمه‌حضور پیام‌نور ۷- مراکز آموزش عالی وابسته به آموزش و پرورش ۸- مراکز آموزش عالی وابسته به سایر وزارتخانه‌ها و دستگاههای دولتی ۹- مراکز آموزش عالی غیرحضور یا الکترونیکی تشکیل شده است (بازرگان، ۲۰۰۷).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ دولت برای تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب و وظیفه دگرگون‌سازی دانشگاه را مد نظر قرار داد و با انقلاب فرهنگی به انجام این وظیفه اقدام کرد. از طرف دیگر لزوم گسترش آموزش عالی و توسعه دانشگاهها احساس می‌شد، تا به نیاز جمعیت برای راه یافتن به آموزش عالی پاسخ داده شود. از این‌رو فکر ایجاد دانشگاهی جدید با ماهیتی نو از همان سالهای اولیه انقلاب در میان مسئولان و دانشگاهیان مطرح شد و روی آن بحث و مطالعه شد (دفتر مطالعات و آموزش نیروی انسانی، ۱۳۸۷).

به‌طور کلی آموزش عالی خصوصی در کشور ایران شامل دو بخش عمده دانشگاه غیرانتفاعی و دانشگاه آزاد است. دانشگاه آزاد که بزرگترین دانشگاه خصوصی در ایران محسوب می‌شود، فعالیت آموزشی خود را از سال تحصیلی ۶۳-۱۳۶۲، با ایجاد ۹ واحد دانشگاهی و پذیرش ۲۰۴۵ دانشجو از طریق آزمون در ده رشته تحصیلی آغاز کرد. دانشگاه آزاد نهادی خصوصی به مفهوم داشتن سهام‌دار حقیقی یا حقوقی نیست، بلکه نهادی غیردولتی و غیرانتفاعی است که ضمن فعالیت در عرصه آموزشی و پژوهشی، در صورت حصول درآمدی، آن را به‌منظور توسعه و ارتقای کیفی دانشگاه صرف می‌نماید. این دانشگاه که هم‌اکنون پا در سومین دهه فعالیت خویش نهاده، توانسته با ایجاد بیش از ۳۲۰ واحد و مرکز دانشگاهی در مناطق دوازده‌گانه در سطح کشور و چند واحد برون‌مرزی در کشورهای لبنان، امارات متحده عربی، انگلستان، تاجیکستان، قطر و کویت، بیش از یک میلیون دانشجو را با هدایت ۳۸۰۳۲ نفر کادر آموزشی در بیش از ۱۳ میلیون مترمربع زیربنای فضاها، آموزشی، فرهنگی و در مجتمع‌های بزرگ دانشگاهی از آموزش عالی بهره‌مند سازد. در حال حاضر دانش‌آموختگان این دانشگاه از مقطع کاردانی تا دکتری تخصصی که تعداد آنها از مرز یک میلیون نفر فراتر رفته در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور فعالیت می‌نمایند (گزیده مقالات دایرةالمعارف آموزش عالی، جلد اول، ۱۳۷۶).

در تاریخ ۱۳۶۴/۷/۲۳ شورای عالی انقلابی فرهنگی آیین‌نامه‌ای را مبنی بر تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به منظور بسیج کلیه امکانات کشور در امر گسترش آموزش عالی با ۱۷ ماده تصویب کرد. هدف این مصوبه ارتقای سطح دانش و فرهنگ جامعه، تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز، گسترش آموزش عالی برای پاسخگویی به تقاضای اجتماعی، ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت و مشارکت مردم در امر آموزش و گسترش و اعتلای دانش و پژوهش کشور بود. در این مصوبه مؤسسات مذکور به دو نوع تقسیم شدند؛ مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی نوع اول به مؤسساتی گفته می‌شود که طبق ضوابط آموزش عالی رسمی کشور فعالیت می‌کنند و مانند مؤسسات آموزش عالی دولتی موظف به رعایت کلیه ضوابط و مقررات آموزش عالی هستند. در مورخه ۱۳۷۵/۱۱/۱۶ طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مجوز مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی نوع دوم لغو و این مؤسسات به آموزشگاههای آزاد تبدیل شدند. البته برخی از آنها به مؤسسات نوع اول تبدیل شدند. در سال تحصیلی

۸۵-۸۶ در این نوع دانشگاه‌های غیرانتفاعی ۴۴۶۶۳ دانشجو پذیرفته شده‌اند که نسبت به سال ۸۴-۸۵ نزدیک به دو برابر (۲۴۰۱۶) رشد داشته است. در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ در دانشگاه آزاد اسلامی، ۲۵۴۶۳۰ دانشجو ثبت‌نام نموده‌اند که از این تعداد ۹۶۱۹۲ نفر زن بوده‌اند. در ضمن تعادل پذیرفته‌شدگان بر حسب دوره تحصیلی نشان‌دهنده این است که ۱۱۶۹۹۱ نفر در دوره‌های کاردانی، ۱۲۵۶۷۶ نفر در دوره‌های کارشناسی، ۹۹۴۹ نفر در مقطع کارشناسی ارشد، ۱۱۶۷ نفر در دوره‌های دکتری حرفه‌ای و ۸۴۷ نفر در دوره‌های دکتری تخصصی پذیرفته شده و ثبت‌نام نموده‌اند (مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، آمار آموزش عالی، ۸۶-۸۵).

جدول ۱- تعداد واحدها و مراکز فعال و غیرفعال دانشگاه آزاد

| منطقه | واحد فعال | واحد غیرفعال | مرکز فعال | مرکز غیرفعال | جمع |
|---------------------------------|-----------|--------------|-----------|--------------|-----|
| یک (فارس، بوشهر) | ۲۹ | - | ۱۶ | ۱۱ | ۵۶ |
| دو (آذربایجان غربی و شرقی) | ۳۷ | ۲ | ۱۵ | ۲۳ | ۷۷ |
| سه (مازندران و گیلان) | ۲۰ | - | ۷ | ۳ | ۳۰ |
| چهار (اصفهان و یزد) | ۲۶ | ۱ | ۹ | ۷ | ۴۳ |
| پنج (مرکزی، همدان و لرستان) | ۱۷ | ۱ | ۱۴ | ۸ | ۴۰ |
| شش (خوزستان) | ۱۴ | - | ۳ | ۵ | ۲۲ |
| هفت (کرمان و سیستان و بلوچستان) | ۱۸ | ۲ | ۱۲ | ۷ | ۳۹ |
| هشت (شهر تهران) | ۱۱ | - | - | ۲ | ۱۳ |
| نه (خراسان) | ۱۵ | - | ۷ | ۹ | ۳۱ |
| ده (سمنان، گلستان) | ۱۰ | - | ۲ | ۶ | ۱۸ |
| یازده (کرمانشاه، ایلام) | ۷ | ۱ | ۱۱ | ۱ | ۲۰ |
| دوازده (قم و استان تهران) | ۱۱ | - | ۴ | ۱۰ | ۲۵ |
| خارج از کشور | ۵ | ۱۰ | - | - | ۱۵ |
| جمع | ۲۲۰ | ۱۷ | ۱۰۰ | ۹۲ | ۴۲۹ |

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پیمایشی محسوب می‌شود، از این روش برای بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه آماری استفاده می‌شود. تحقیق پیمایشی را به سه دسته: روش مقطعی، روش طولی، روش دلفی تقسیم می‌کنند. این پژوهش در گروه تحقیقات پیمایش طولی قرار می‌گیرد، در این نوع روش تحقیق، داده‌ها در طول زمانهای مختلف گردآوری می‌شود تا تغییرات برحسب زمان بررسی و به رابطه این متغیرها از نظر تغییرات در طول زمان پی برده شود (سرمد و همکاران، ۱۳۷۹). همچنین با استفاده از آمار آموزش عالی^۱، آمار دانشگاه آزاد^۲، دانشگاه‌های غیرانتفاعی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی برنامه‌ریزی، شورای گسترش آموزش عالی و سایر منابع معتبر به جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در زمانهای مربوط پرداخته شده است. جامعه آماری پژوهش نیز شامل کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی (دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه غیرانتفاعی) کشور ایران است و از روش سرشماری کامل برای بررسی نتایج در این پژوهش استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

آموزش عالی خصوصی یا غیردولتی در ایران از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مجوز رسمی دارد. از آنجا که دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات غیرانتفاعی بیش از ۹۸ درصد تعداد دانشجویان آموزش عالی خصوصی را به خود اختصاص داده، در این پژوهش به تحلیل داده‌های این دو بخش از آموزش عالی خصوصی و نیز داده‌های به‌دست آمده از دانشگاه‌های دولتی پرداخته شده است. همچنین بین آموزش عالی دولتی و خصوصی در کشور ایران، مقایسه‌ای انجام شده است. در اینجا با توجه به اطلاعات به‌دست آمده از اسناد و مدارک، به سؤالات پژوهش پاسخ داده شده است.

سؤال پژوهشی اول: وضعیت مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی (دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی، مؤسسات غیرانتفاعی، دانشگاه آزاد) از نظر تعداد، بین سالهای ۱۳۸۷-۱۳۴۸ در کشور ایران چگونه است؟ (جدول ۲)

۱- اداره کل اسناد و املاک دانشگاه آزاد اسلامی (سالهای ۱۳۸۳-۱۳۷۹)

۲- آمار آموزش عالی، سال تحصیلی (۱۳۸۶-۱۳۸۵)

داده‌های گردآوری شده گویای آن است که در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶، ۷۴۱ مؤسسه آموزش عالی در ایران در حال فعالیت هستند که بیش از نیمی از آنها را (۴۸۰ مؤسسه) دانشگاههای خصوصی تشکیل می‌دهد. این در حالی است که در سال ۱۳۶۲-۱۳۶۱ فقط ۹ واحد دانشگاه آزاد در ایران دایر بود که این تعداد در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ به ۲۲۰ واحد رسیده است.

جدول ۲- تعداد مؤسسات آموزش عالی بین سالهای ۸۷-۱۳۴۸

| سال تحصیلی | دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی | دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی | دانشگاه آزاد | | جمع مراکز غیردولتی و آزاد | جمع کل مؤسسات | جمع مؤسسات خصوصی (غیردولتی و آزاد) در کل مؤسسات |
|------------|-------------------------------------|---|--------------|------|---------------------------|---------------|---|
| | | | واحد | مرکز | | | |
| ۴۸-۴۹ | - | ۱۳ | - | - | - | - | - |
| ۴۹-۵۰ | - | ۱۵ | - | - | - | - | - |
| ۵۰-۵۱ | - | ۲۵ | - | - | - | - | - |
| ۵۱-۵۲ | - | ۲۹ | - | - | - | - | - |
| ۵۲-۵۳ | - | ۴۳ | - | - | - | - | - |
| ۵۳-۵۴ | ۱۲۰ | ۴۰ | - | - | - | - | - |
| ۵۴-۵۵ | ۱۶۴ | ۴۱ | - | - | - | - | - |
| ۵۵-۵۶ | ۱۹۲ | ۲۱ | - | - | - | - | - |
| ۵۶-۵۷ | - | ۱۷ | - | - | - | - | - |
| ۵۷-۵۸ | ۲۳۱ | ۱۳ | - | - | - | - | - |
| ۵۸-۵۹ | ۲۰۹ | ۱۲ | - | - | - | - | - |
| ۵۹-۶۰ | - | - | - | - | - | - | - |
| ۶۰-۶۱ | - | - | - | - | - | - | - |

| | | | | | | | |
|-------|-----|-----|-----|-----|-----|-----|-------|
| ۶۱-۶۲ | ۱۱۹ | - | ۹ | - | ۹ | ۱۲۸ | ۷/۰۳ |
| ۶۲-۶۳ | ۱۱۹ | - | ۱۳ | - | ۱۳ | ۱۳۲ | ۹/۸۴ |
| ۶۳-۶۴ | ۱۱۹ | - | ۲۶ | - | ۲۶ | ۱۴۵ | ۱۷/۹۳ |
| ۶۴-۶۵ | ۱۱۶ | - | ۵۰ | - | ۵۰ | ۱۶۶ | ۳۰/۱۲ |
| ۶۵-۶۶ | ۸۵ | - | ۵۹ | - | ۵۹ | ۱۴۴ | ۴۰/۹۷ |
| ۶۶-۶۷ | ۹۲ | - | ۸۴ | - | ۸۴ | ۱۷۶ | ۴۷/۷۲ |
| ۶۷-۶۸ | ۱۰۶ | ۲ | ۱۰۰ | - | ۱۰۲ | ۲۰۸ | ۴۹/۰۳ |
| ۶۸-۶۹ | ۱۰۶ | ۲ | ۱۰۸ | - | ۱۱۰ | ۲۱۶ | ۵۰/۹۲ |
| ۶۹-۷۰ | ۱۲۲ | ۳ | ۱۱۱ | - | ۱۱۴ | ۲۳۶ | ۴۸/۳۰ |
| ۷۰-۷۱ | ۱۲۴ | ۳ | ۱۱۴ | - | ۱۱۷ | ۲۴۱ | ۴۸/۵۴ |
| ۷۱-۷۲ | ۱۳۵ | ۱ | ۱۱۹ | - | ۱۲۰ | ۲۵۵ | ۴۷/۰۵ |
| ۷۲-۷۳ | ۱۴۶ | ۵ | ۱۲۲ | - | ۱۲۷ | ۲۷۳ | ۴۶/۵۲ |
| ۷۳-۷۴ | ۱۵۳ | ۱۰ | ۱۳۱ | - | ۱۴۱ | ۲۹۴ | ۴۷/۹۵ |
| ۷۴-۷۵ | ۱۸۹ | ۱۶ | ۱۳۹ | - | ۱۵۵ | ۳۴۴ | ۴۵/۰۵ |
| ۷۵-۷۶ | ۲۲۷ | ۴۳ | ۱۴۰ | - | ۱۸۳ | ۴۱۰ | ۴۴/۶ |
| ۷۶-۷۷ | ۲۳۴ | ۲۲ | ۱۴۱ | - | ۱۶۳ | ۳۹۷ | ۴۱/۰۵ |
| ۷۷-۷۸ | ۲۳۹ | ۲۴ | ۱۴۹ | ۱ | ۱۷۴ | ۴۱۳ | ۴۲/۱۳ |
| ۷۸-۷۹ | ۲۵۰ | ۲۵ | ۱۷۲ | ۳ | ۲۰۰ | ۴۵۰ | ۴۳/۴۴ |
| ۷۹-۸۰ | ۲۵۰ | ۲۵ | ۱۸۲ | ۱۰ | ۲۱۷ | ۴۶۷ | ۴۶/۴۶ |
| ۸۰-۸۱ | ۲۶۹ | ۲۸ | ۱۹۱ | ۱۷ | ۲۳۶ | ۵۳۲ | ۴۴/۳۶ |
| ۸۱-۸۲ | ۲۶۹ | ۲۹ | ۱۹۸ | ۲۸ | ۲۵۵ | ۵۲۴ | ۴۸/۶۶ |
| ۸۲-۸۳ | ۲۶۵ | ۲۸ | ۲۰۳ | ۳۸ | ۲۶۹ | ۵۳۴ | ۵۰/۳۷ |
| ۸۳-۸۴ | ۲۶۸ | ۴۰ | ۲۰۸ | ۵۱ | ۲۹۹ | ۵۶۷ | ۵۲/۷۳ |
| ۸۴-۸۵ | ۲۹۲ | ۷۵ | ۲۱۳ | ۷۱ | ۳۵۹ | ۶۵۱ | ۵۵/۱۴ |
| ۸۵-۸۶ | ۲۵۴ | ۱۲۴ | ۲۱۵ | ۸۴ | ۴۲۳ | ۶۷۷ | ۶۲/۴۸ |
| ۸۶-۸۷ | ۲۶۱ | ۱۶۰ | ۲۲۰ | ۱۰۰ | ۴۸۰ | ۷۴۱ | ۶۴/۷۷ |

سؤال پژوهشی دوم: روند ثبت‌نام دانشجویان در مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی بین سالهای ۱۳۸۷-۱۳۴۸ در کشور ایران چگونه است؟ (جدول ۳).

آمار و ارقام به دست آمده نشان می‌دهد که روند ثبت‌نام‌ها در مؤسسات آموزش عالی خصوصی از سال ۱۳۶۳-۱۳۶۲ تا سال ۱۳۸۷-۱۳۸۶ رشد قابل توجهی داشته است. در سال ۱۳۶۳-۱۳۶۲ تعداد ۱۲۳۱۰۲ دانشجو در این مؤسسات مشغول به تحصیل بودند ولی این تعداد در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۶ به ۳۳۹۱۸۵۲ رسیده است. آمار نشان می‌دهد تعداد ثبت‌نام‌ها در آموزش عالی خصوصی بیش از دو برابر آموزش عالی دولتی بوده است و این گویای مشارکت هرچه بیشتر بخش خصوصی در آموزش عالی کشور ایران است. مقایسه میزان ثبت‌نام‌کنندگان دانشگاه‌های آزاد، دولتی و غیرانتفاعی در مقاطع تحصیلی مختلف اطلاعات جالبی به دست داده است. طی سال تحصیلی ۱۳۶۳-۱۳۶۲ تا ۱۳۸۷-۱۳۸۶ تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد از ۲۰۵۴ دانشجو به ۱۳۰۲۵۶۹ دانشجو رسیده است؛ یعنی طی ۲۲ سال تعداد دانشجویان این دانشگاه بیش از ۶۳۴ برابر شده است و این نشان از رشد چشمگیر پذیرش دانشجو در این دانشگاه است.

جدول ۳- روند ثبت‌نام دانشجویان آموزش عالی بین سالهای ۱۳۸۷-۱۳۴۸

| سال تحصیلی | تعداد دانشجویان دانشگاه دولتی | تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد | تعداد دانشجویان دانشگاه غیرانتفاعی | جمع تعداد دانشجویان دانشگاه غیرانتفاعی و آزاد | جمع تعداد کل دانشجویان (دولتی، غیرانتفاعی و آزاد) | درصد دانشجویان دانشگاه غیرانتفاعی و آزاد از کل | درصد دانشجویان دانشگاه آزاد از کل |
|------------|-------------------------------|------------------------------|------------------------------------|---|---|--|-----------------------------------|
| ۴۸-۴۹ | ۵۶۹۷۳ | - | ۱۰۲۹۵ | - | ۶۷۲۶۸ | ۱۵/۳ | - |
| ۴۹-۵۰ | ۶۲۱۲۸ | - | ۱۲۵۸۰ | - | ۷۴۷۰۸ | ۱۷ | - |
| ۵۰-۵۱ | ۷۸۰۶۸ | - | ۱۹۲۷۰ | - | ۹۷۳۳۸ | ۲۰ | - |
| ۵۱-۵۲ | ۹۰۵۲۶ | - | ۲۴۷۸۵ | - | ۱۱۵۳۱۱ | ۲۱ | - |
| ۵۲-۵۳ | ۹۲۸۶۰ | - | ۳۰۲۵۴ | - | ۱۲۳۱۱۴ | ۲۴/۶ | - |
| ۵۳-۵۴ | ۹۶۸۹۱ | - | ۳۸۴۶۳ | - | ۱۳۵۳۵۴ | ۲۸/۴ | - |

| | | | | | | | |
|-------|--------|--------|-------|--------|---------|------|------|
| ۵۴-۵۵ | ۱۱۴۰۹۶ | - | ۳۷۸۱۲ | - | ۱۵۱۹۰۸ | ۲۴/۹ | - |
| ۵۵-۵۶ | ۱۳۶۲۸۹ | - | ۱۷۹۲۶ | - | ۱۵۴۲۱۵ | ۱۱/۷ | - |
| ۵۶-۵۷ | ۱۴۸۹۷۴ | - | ۱۱۳۳۴ | - | ۱۶۰۳۰۸ | ۷ | - |
| ۵۷-۵۸ | ۱۷۲۷۷۲ | - | ۲۹۰۳ | - | ۱۷۵۶۷۵ | ۱/۷ | - |
| ۵۸-۵۹ | ۱۷۱۳۲۶ | - | ۲۸۹۱ | - | ۱۷۴۲۱۷ | ۱/۷ | - |
| ۵۹-۶۰ | - | - | - | - | - | - | - |
| ۶۰-۶۱ | - | - | - | - | - | - | - |
| ۶۱-۶۲ | ۱۱۷۱۴۸ | - | - | - | - | - | - |
| ۶۲-۶۳ | ۱۲۱۰۴۸ | ۲۰۵۴ | - | ۲۰۵۴ | ۱۲۳۱۰۲ | ۱/۶ | ۱/۶ |
| ۶۳-۶۴ | ۱۴۵۸۰۹ | - | - | - | - | - | - |
| ۶۴-۶۵ | ۱۵۱۴۹۵ | ۱۵۹۶۲ | - | ۱۵۹۶۲ | ۱۶۷۴۵۷ | ۹/۵ | ۹/۵ |
| ۶۵-۶۶ | ۱۶۷۹۷۱ | ۳۶۹۷۴ | - | ۳۶۹۷۴ | ۲۰۴۹۴۵ | ۱۸ | ۱۸ |
| ۶۶-۶۷ | ۲۰۴۸۶۲ | ۶۴۷۹۱ | - | ۶۴۷۹۱ | ۲۶۹۶۲۳ | ۲۴ | ۲۴ |
| ۶۷-۶۸ | ۲۴۹۶۸۶ | ۹۹۱۳۹ | ۱۰۲۳ | ۱۰۰۱۶۲ | ۳۴۹۸۴۸ | ۲۸/۶ | ۲۸/۳ |
| ۶۸-۶۹ | - | ۱۴۹۱۶۷ | - | ۱۴۹۱۶۷ | - | - | - |
| ۶۹-۷۰ | ۳۱۰۷۰۲ | ۲۰۱۹۸۷ | ۱۳۷۴ | ۲۰۳۳۶۱ | ۹۱۴۰۶۳ | ۳۹/۵ | ۳۹/۳ |
| ۷۰-۷۱ | ۳۴۲۵۷۸ | ۲۴۴۳۷۷ | ۱۴۶۷ | ۲۴۵۸۴۴ | ۵۸۸۴۲۲ | ۴۱/۷ | ۴۱/۵ |
| ۷۱-۷۲ | ۳۷۳۶۹۳ | ۳۰۹۱۱۳ | ۱۰۴۱ | ۳۱۰۱۵۴ | ۶۸۳۸۴۷ | ۴۵/۳ | ۴۵/۲ |
| ۷۲-۷۳ | ۴۳۴۸۱۰ | ۳۹۰۳۲۹ | ۱۷۵۴ | ۳۹۲۰۸۳ | ۸۲۶۸۹۳ | ۴۷/۴ | ۴۷/۲ |
| ۷۳-۷۴ | ۴۷۵۴۳۴ | ۴۷۱۲۰۶ | ۳۰۰۸ | ۴۷۴۲۱۴ | ۹۴۹۶۴۸ | ۴۹/۹ | ۴۹/۶ |
| ۷۴-۷۵ | ۵۲۰۲۷۱ | ۵۱۹۶۳۳ | ۶۳۵۰ | ۵۲۵۹۸۳ | ۱۰۴۶۲۵۴ | ۵۰/۲ | ۴۹/۶ |
| ۷۵-۷۶ | ۵۶۵۷۵۴ | - | ۱۳۳۱۶ | - | - | - | - |
| ۷۶-۷۷ | ۶۱۵۴۸۷ | ۶۵۹۲۲۰ | ۹۸۶۳ | ۶۶۹۰۸۳ | ۱۲۸۴۵۷۰ | ۵۲ | ۵۱/۳ |
| ۷۷-۷۸ | ۶۲۴۲۶۳ | ۶۶۶۵۲۹ | ۱۴۶۲۷ | ۶۸۱۱۵۶ | ۱۳۰۵۴۱۹ | ۵۲ | ۵۱/۰ |

| | | | | | | | |
|-------|---------|---------|--------|---------|---------|------|------|
| ۷۸-۷۹ | ۶۶۰۵۲۰ | ۷۲۶۲۲۸ | ۱۸۰۸۶ | ۷۴۴۳۱۴ | ۱۴۰۴۸۳۴ | ۵۳ | ۵۱/۶ |
| ۷۹-۸۰ | ۷۱۱۱۴۵ | ۸۴۳۴۷۳ | ۲۲۲۹۴ | ۸۶۵۷۶۷ | ۱۵۷۶۹۱۲ | ۵۴/۹ | ۵۳/۴ |
| ۸۰-۸۱ | ۷۳۳۸۲۰ | ۸۰۶۷۳۹ | ۲۶۰۴۴ | ۸۳۲۷۸۳ | ۱۵۶۶۶۹۳ | ۵۳ | ۵۱/۴ |
| ۸۱-۸۲ | ۷۸۱۲۹۷ | ۹۰۴۸۶۹ | ۲۸۲۳۱ | ۹۳۳۱۰۰ | ۱۷۱۴۳۹۷ | ۵۴/۴ | ۵۲/۷ |
| ۸۲-۸۳ | ۸۸۱۹۹۸ | ۹۶۸۲۰۶ | ۳۴۹۱۵ | ۱۰۰۳۱۲۱ | ۱۸۹۲۱۱۹ | ۵۳ | ۵۱/۱ |
| ۸۳-۸۴ | ۹۷۵۳۶۱ | ۱۰۹۸۴۹۱ | ۴۳۶۱۹ | ۱۱۴۲۱۱۰ | ۲۱۱۷۴۷۱ | ۵۳/۴ | ۵۱/۹ |
| ۸۴-۸۵ | ۱۱۳۲۳۶۶ | ۱۱۹۸۸۱۹ | ۵۸۶۷۵ | ۱۲۵۷۴۹۴ | ۲۳۸۹۸۶۰ | ۵۲/۶ | ۵۰/۲ |
| ۸۵-۸۶ | ۱۴۴۴۰۲۷ | ۱۲۸۹۶۳۷ | ۹۴۸۴۷ | ۱۳۸۴۴۸۴ | ۲۸۲۸۵۱۱ | ۴۹ | ۴۶ |
| ۸۶-۸۷ | ۱۹۴۹۸۷۹ | ۱۳۰۲۵۶۹ | ۱۳۹۴۰۴ | ۱۴۴۱۹۷۳ | ۳۳۹۱۸۵۲ | ۴۲/۵ | ۳۸/۵ |

سؤال پژوهشی سوم: میزان ثبت‌نام در مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی ایران برحسب مقطع تحصیلی بین سالهای ۱۳۶۱-۱۳۸۷ چگونه است؟ (جدول ۴).

اطلاعات به دست آمده از اسناد نشان داده است، بین مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه آزاد بیشترین رشد ثبت‌نام، مربوط به دوره کارشناسی بوده است، به نحوی که ۶۰ درصد ثبت‌نام‌های این دانشگاه در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ مربوط به این مقطع بوده است. سپس بیشترین ثبت‌نام‌ها، به ترتیب به دوره‌های کاردانی، دکتری حرفه‌ای و دکتری تخصصی اختصاص داشته است. به‌طورکلی روند ثبت‌نام دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی این دانشگاه روندی صعودی داشته است، ولی در دانشگاه غیرانتفاعی وضعیت به گونه دیگر بوده است. بیشترین رشد ثبت‌نام‌ها در مقاطع کارشناسی و کاردانی به وقوع پیوسته، به گونه‌ای که در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶، ۵۰/۲ درصد ثبت‌نام‌ها مربوط به مقطع کاردانی بوده است و در مقاطع تحصیلات تکمیلی رشد قابل ملاحظه‌ای وجود نداشته است. در دانشگاه دولتی نیز که میزان ثبت‌نام‌ها سیر صعودی داشته، در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶، ۸۰ درصد ثبت‌نام‌ها در مقطع کارشناسی بوده است. نتایج این بخش در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- میزان ثبت نام در آموزش عالی برحسب مقطع تحصیلی (دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی، مؤسسات غیرانتفاعی و دانشگاه آزاد)

| سال تحصیلی | دانشگاه دولتی | | | | | | دانشگاه آزاد | | | | | دانشگاه غیر انتفاعی | | | | | | | |
|------------|---------------|---------|----------|------|------------|----------|--------------|---------|----------|------|------------|---------------------|--------|---------|----------|------|------------|----------|--|
| | جمع کل | کاردانی | کارشناسی | ارشد | د. حرفه ای | د. تخصصی | جمع کل | کاردانی | کارشناسی | ارشد | د. حرفه ای | د. تخصصی | جمع کل | کاردانی | کارشناسی | ارشد | د. حرفه ای | د. تخصصی | |
| ۶۱-۶۲ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۶۲-۶۳ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۶۳-۶۴ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۶۴-۶۵ | | | | | | | ۱۵۹۶۲ | ۲۷/۹ | ۶۹/۳ | ٪۳۵ | ۲/۲ | ۰/۱۸ | | | | | | | |
| ۶۵-۶۶ | | | | | | | ۳۶۹۷۴ | ۲۳/۲ | ۷۱/۹ | ۱/۲ | ۳/۵ | ۰/۲۳ | | | | | | | |
| ۶۶-۶۷ | | | | | | | ۶۴۷۹۱ | ۲۰/۱ | ۷۴/۷ | ۱/۳ | ۳/۷ | ۰/۱۸ | | | | | | | |
| ۶۷-۶۸ | ۲۴۹۶۸۶ | ۱۸/۸ | ۶۴ | ۳ | ۱۳/۳ | ٪۸۵ | ۹۹۱۳۹ | ۱۸/۳ | ۷۶/۴ | ٪۹۴ | ۴/۱ | ۰/۱۷ | ۱۰۲۳ | - | ۱۳/۵ | ۸۶/۵ | - | - | |
| ۶۸-۶۹ | | | | | | | ۱۴۹۱۶۷ | ۱۶/۷ | ۷۸/۶ | ۱/۳ | ۳/۳ | ۰/۱۱ | | | | | | | |
| ۶۹-۷۰ | ۳۱۰۷۰۲ | ۱۴/۶ | ۶۸/۲ | ۳۱۱ | ۱۲/۷ | ۱/۲۷ | ۲۰۱۹۸۷ | ۱۴/۴ | ۸۱/۱ | ۱/۴ | ۲/۹ | ۰/۱۰ | ۱۳۷۴ | - | ۲۱/۲ | ۸۷/۸ | - | - | |
| ۷۰-۷۱ | ۳۴۲۵۷۸ | ۱۲/۶ | ۰۷/۸ | ۳/۸ | ۱۱/۵ | ۱/۳ | ۲۴۴۳۷۷ | ۹/۹ | ۸۶ | ۱/۴ | ۲/۶ | ۰/۰۹ | ۱۴۶۷ | - | ۲۴/۲ | ۷۵/۸ | - | - | |
| ۷۱-۷۲ | ۳۷۳۶۹۳ | ۱۲/۱ | ۰۷/۸ | ۴/۵ | ۱۱ | ۱/۴ | ۳۰۹۱۱۳ | ۷/۳ | ۸۸/۵ | ۱/۸ | ۲/۲ | ۰/۱۱ | ۱۰۴۱ | - | ۱۱/۶ | ۸۷/۲ | - | ۱/۱ | |

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|-------|---------|------|------|-----|-----|------|---------|------|------|-----|------|------|--------|------|------|------|------|------|
| ۷۲-۷۳ | ۴۳۴۸۱۰ | ۱۲/۸ | ۷۱/۳ | ۴/۶ | ۹/۹ | ۱/۳ | ۳۹۰۳۲۹ | ۷/۹ | ۸۷/۳ | ۲/۶ | ۱/۹ | ۰/۱۵ | ۱۷۵۴ | | ۳۵/۲ | ۵۱/۲ | ۱۲/۶ | ۰/۹ |
| ۷۳-۷۴ | ۴۷۵۴۳۴ | ۱۳/۴ | ۷۱/۷ | ۴/۴ | ۹ | ۱/۵ | ۴۷۱۲۰۶ | ۸/۵ | ۸۶/۷ | ۳/۱ | ۱/۵ | ۰/۱۶ | ۳۰۰۸ | ۱۶/۵ | ۳۸/۳ | ۳۶/۷ | ۷/۴ | ۱ |
| ۷۴-۷۵ | ۵۲۰۲۷۱ | ۱۳/۵ | ۷۲/۶ | ۴/۵ | ۷/۸ | ۱/۶ | ۵۱۹۶۳۲ | ۸/۳ | ۸۷ | ۳ | ۱/۵ | ۰/۱۴ | ۶۳۵۰ | ۳۰ | ۴۱/۸ | ۲۲/۱ | ۵ | ۰/۹ |
| ۷۵-۷۶ | ۵۶۵۵۵۴ | ۱۴/۵ | ۷۲/۵ | ۴/۵ | ۷ | ۱/۵ | - | - | - | - | - | - | ۱۳۳۱۶ | ۲۲ | ۶۳/۳ | ۱۱ | ۳/۳ | ۰/۳ |
| ۷۶-۷۷ | ۶۱۵۸۷ | ۱۵/۶ | ۷۲ | ۴/۴ | ۶/۴ | ۱/۵ | ۶۵۹۲۲۰ | ۱۲/۵ | ۸۳/۳ | ۲/۵ | ۱/۵ | ۰/۱۶ | ۹۸۶۳ | ۱۹/۷ | ۵۵/۵ | ۱۸/۹ | ۵/۳ | ۰/۵ |
| ۷۷-۷۸ | ۶۲۴۲۶۳ | ۱۷/۶ | ۷۰/۵ | ۴/۲ | ۶/۲ | ۱/۴ | ۶۶۶۵۲۹ | ۱۷/۹ | ۷۷ | ۳/۱ | ۱/۸ | ۰/۲۰ | ۱۴۶۲۷ | ۱۳/۴ | ۶۸/۸ | ۱۲/۵ | ۴/۸ | ۰/۴۵ |
| ۷۸-۷۹ | ۶۶۰۵۲۰ | ۱۷/۸ | ۷۰/۹ | ۴/۲ | ۵/۵ | ۱/۶ | ۷۲۶۲۸۱ | ۱۲/۷ | ۷۳/۳ | ۳/۷ | ۱/۵ | ۰/۲۵ | ۱۸۰۸۶ | ۱۳/۷ | ۷۱ | ۱۰/۸ | ۳/۹ | ۰/۴۵ |
| ۷۹-۸۰ | ۷۱۱۱۴۵ | ۱۹/۲ | ۶۹/۷ | ۴/۳ | ۵/۳ | ۱/۵ | ۸۴۳۴۷۳ | ۲۲/۷ | ۷۱/۵ | ۴/۱ | ۱/۴ | ۰/۲۳ | ۲۲۲۹۴ | ۱۸/۶ | ۷۰/۵ | ۷/۵ | ۳ | ۰/۵ |
| ۸۰-۸۱ | ۷۳۳۸۲۰ | ۱۹/۲ | ۷۰ | ۴/۶ | ۴/۵ | ۱/۵ | ۸۰۶۷۳۹ | ۲۴/۸ | ۷۰/۵ | ۳/۱ | ۱/۳ | ۰/۲۱ | ۲۶۰۴۴ | ۱۹/۵ | ۷۰/۵ | ۶/۷ | ۲/۱۹ | ۰/۴۵ |
| ۸۱-۸۲ | ۷۸۱۲۹۷ | ۲۱/۲ | ۶۸/۳ | ۴/۸ | ۴/۱ | ۱/۷ | ۹۰۴۸۶۹ | ۲۵/۶ | ۷۰ | ۳ | ۱/۲ | ۰/۲۰ | ۲۸۲۳۱ | ۲۴/۹ | ۶۸/۸ | ۵/۸ | - | ۰/۳۸ |
| ۸۲-۸۳ | ۸۸۸۹۹۸ | ۲۰/۸ | ۶۹/۷ | ۴/۶ | ۳/۴ | ۱/۵ | ۹۶۸۲۰۶ | ۳۰/۱ | ۶۵/۵ | ۲/۸ | ۱/۲ | ۰/۲۵ | ۳۴۹۱۵ | ۳۱ | ۶۳/۴ | ۵/۲ | - | ۰/۴۲ |
| ۸۳-۸۴ | ۹۷۵۳۶۱ | ۲۰ | ۷۰/۵ | ۴/۹ | ۳/۱ | ۱/۴ | ۱۰۹۸۴۹۱ | ۳۴/۵ | ۶۱/۵ | ۲/۷ | ۱/۹۸ | ۰/۲۴ | ۴۳۶۱۹ | ۳۵/۳ | ۵۸/۲ | ۵/۸ | - | ۰/۷۳ |
| ۸۴-۸۵ | ۱۱۳۲۳۶۶ | ۲۳/۷ | ۶۷/۴ | ۴/۸ | ۲/۶ | ۱/۴ | ۱۱۹۸۸۱۹ | ۳۵/۲ | ۶۰/۷ | ۲/۹ | ۸۷۵ | ۰/۲۵ | ۵۸۶۷۵ | ۴۲ | ۵۲/۷ | ۴/۹ | - | ۰/۳۴ |
| ۸۵-۸۶ | ۱۴۴۴۰۲۷ | ۱۶/۲ | ۷۵/۳ | ۵/۱ | ۲ | ۱/۲۵ | ۱۲۸۹۳۷ | ۳۵/۲ | ۶۰/۴ | ۳/۲ | ۱/۸۹ | ۰/۲۹ | ۹۴۸۴۷ | ۵۱ | ۴۶ | ۳ | - | ۰/۲۳ |
| ۸۶-۸۷ | ۱۹۴۹۸۷۹ | ۱۲/۶ | ۸۰ | ۴/۶ | ۱/۶ | ۱/۲ | ۱۳۰۲۵۶۹ | ۳۴/۷ | ۶۰ | ۴ | ۱/۸۶ | ۱/۳۰ | ۱۳۴۳۰۴ | ۵۰/۲ | ۴۶/۲ | ۳/۳ | - | ۰/۲۴ |

سؤال پژوهشی چهارم: میزان مشارکت دانشجویان زن در مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی بین سالهای ۱۳۸۷-۱۳۶۰ در کشور ایران چگونه است؟ (جدول ۵)

آمار به دست آمده از میزان مشارکت دانشجویان زن در آموزش عالی کشور ایران نشان می‌دهد، درصد کل دانشجویان زن در مؤسسات آموزش عالی ایران در سال ۱۳۶۲-۱۳۶۱، ۳۱ درصد بوده است که به ۵۳/۱ درصد در سال ۸۷-۱۳۸۶ افزایش یافته است. این آمار نشان می‌دهد برابری جنسی در ورود به آموزش عالی نه تنها به مرور افزایش یافته، بلکه طی سالهای ۸۱-۱۳۸۰ زنان در آموزش عالی ایران نسبت به مردان مشارکت بیشتری داشته‌اند. مقایسه این مورد در بین دانشگاههای دولتی و خصوصی نشان می‌دهد، روند مثبت نام دانشجویان زن در مؤسسات آموزش عالی دولتی رشد بیشتری از مؤسسات آموزش عالی خصوصی داشته است. در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶، سهم دانشجویان زن در دانشگاههای دولتی بیش از ۵۹ درصد، دانشگاه آزاد ۴۶ درصد و دانشگاه غیرانتفاعی ۵۲ درصد بوده است.

سؤال پژوهشی پنجم: تعداد و نحوه همکاری اعضای هیأت علمی در مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی بین سالهای ۸۷-۱۳۷۷ در کشور ایران چگونه است؟ داده‌های به دست آمده از تعداد و نحوه همکاری اعضای هیأت علمی دانشگاههای دولتی، آزاد و غیرانتفاعی نشان می‌دهد، دانشگاههای دولتی در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷، تعداد ۲۷۴۷۴ عضو هیأت علمی پاره وقت و تمام وقت داشته‌اند که این تعداد به ۵۱۳۴۸ عضو هیأت علمی در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ یعنی کمتر از دو برابر افزایش یافته است. این در حالی است که طی همین مدت تعداد دانشجویان ثبت نام کننده در این دانشگاه افزایش سه برابری داشته است و این نشان از به هم خوردن تناسب هیأت علمی به دانشجو در دانشگاههای دولتی داشته است. طی همین مدت هیأت علمی دانشگاه آزاد از ۱۸۷۴۷ به ۶۱۴۵۷ یعنی بیش از سه برابر و تعداد دانشجو از ۶۶۶۵۲۹ به ۱۳۰۲۵۶۹ یعنی کمتر از دو برابر رشد داشته است. در دانشگاه غیرانتفاعی، تعداد هیأت علمی از ۱۶۸۴ به ۹۴۳۱ و تعداد دانشجو از ۱۴۶۲۷ به ۱۳۹۴۰۴ و به ترتیب بیش از ۵ و ۹ برابر افزایش یافته است. از نظر نحوه همکاری و مرتبه علمی اعضای هیأت علمی این دانشگاهها نیز اطلاعات به دست آمده در جدولهای ۶ و ۷، آورده شده است.

جدول ۵- مؤلفه‌های سنجش کیفیت رشته‌های مهندسی و بار عاملی مربوطه

| عامل ۵ | عامل ۴ | عامل ۳ | عامل ۲ | عامل ۱ | اجزای تشکیل دهنده عوامل سنجش کیفیت رشته‌های مهندسی |
|--------|--------|--------|--------|--------|--|
| | | | | ۰/۷۴۷ | تجهیزات علمی مانند آزمایشگاه و کارگاهها |
| | | | | ۰/۵۳۱ | دسترسی آسان به تجهیزات سخت‌افزاری |
| | | | | ۰/۷۴۶ | به‌روز بودن تجهیزات و امکانات |
| | | | | ۰/۵۸۵ | دسترسی به کارگاهها برای انجام پروژه‌های شخصی دانشجویان |
| | | | ۰/۵۲۵ | | دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی مانند کتابخانه‌ها، نشریات، نرم‌افزارها، شبکه و اینترنت |
| | | | ۰/۶۱۲ | | میزان و درجه جذابیت محیط فیزیکی |
| | | | ۰/۵۷۶ | | کافی بودن و بسندگی خدمات حمایتی و رفاهی از سوی بخش و دانشگاه |
| | | ۰/۵۸۳ | | | یاد دادن توانایی حل مسأله |
| | | ۰/۵۸۴ | | | ایجاد فرصت برای یادگیری مسائل جدید |
| | | ۰/۵۹۱ | | | به وجود آوردن یادگیری کار گروهی در دانشجویان |
| | ۰/۴۷۳ | | | | ارائه دروس در توالی و نظم مشخص |
| | ۰/۴۶۶ | | | | میزان ارائه مهارت‌ها و دانش کمکی (توانایی تعریف و تجزیه و تحلیل مسائل مهندسی) |
| | ۰/۵۱۴ | | | | ارائه مهارت‌ها و دانش کمکی (مانند استفاده از دانش رایانه) توسط برنامه تحصیلی |
| | ۰/۵۳۳ | | | | ایجاد یادگیری مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان |
| | ۰/۶۱۷ | | | | کاربرد دانش آموخته شده در زمینه‌های دیگر (شغلی - زندگی) |
| | ۰/۴۹۴ | | | | توانایی کاربرد مسائل در موقعیت‌های جدید |
| | ۰/۶۷۹ | | | | مناسب بودن دانش نظری استادان |
| | ۰/۶۳۲ | | | | مناسب بودن دانش عملی استادان |
| | ۰/۵۴۷ | | | | به‌روز بودن استادان در حوزه تخصصی خود |
| | ۰/۶۲۵ | | | | مطرح بودن استادان در حوزه تخصصی خود |
| | ۰/۴۹۹ | | | | خبره بودن استادان در تدریس و برقراری ارتباط با دانشجویان |

جدول ۶- تعداد و نحوه همکاری اعضای هیأت علمی دانشگاه دولتی
به تفکیک مرتبه علمی بین سالهای ۸۷- ۱۳۷

| سال تحصیلی | نحوه همکاری | استاد | دانشیار | استادیار | مربی | مربی آموزشی | جمع کل |
|------------|-------------|-------|---------|----------|-------|-------------|--------|
| ۷۷-۷۸ | تمام وقت | ۶۴۶ | ۱۳۶۱ | ۷۷۶۹ | ۹۳۶۸ | ۷۲۸ | ۱۹۸۷۷ |
| | نیمه وقت | ۲۵۱ | ۴۳۰ | ۲۴۷۱ | ۴۲۱۴ | ۳۳۱ | ۷۵۹۷ |
| | جمع | ۸۹۷ | ۱۷۹۶ | ۱۰۲۴۰ | ۱۳۴۸۲ | ۱۰۵۹ | ۲۷۴۷۴ |
| ۷۸-۷۹ | تمام وقت | ۶۹۶ | ۱۳۸۸ | ۸۴۰۸ | ۹۴۳۳ | ۶۴۱ | ۲۰۵۶۶ |
| | نیمه وقت | ۱۶۹ | ۳۶۳ | ۱۹۴۴ | ۳۴۲۵ | ۲۸۰ | ۶۱۸۱ |
| | جمع | ۸۶۵ | ۱۷۵۱ | ۱۰۳۵۲ | ۱۲۸۵۸ | ۹۲۱ | ۲۶۷۴۷ |
| ۷۹-۸۰ | تمام وقت | ۸۶۰ | ۱۵۵۰ | ۹۵۲۲ | ۹۱۵۲ | ۴۹۰ | ۲۱۵۷۴ |
| | نیمه وقت | ۱۳۹ | ۳۱۷ | ۲۰۷۹ | ۳۸۳۱ | ۱۹۶ | ۶۵۶۲ |
| | جمع | ۹۹۹ | ۱۸۶۷ | ۱۱۶۰۱ | ۱۲۹۸۳ | ۶۸۶ | ۲۸۱۳۶ |
| ۸۰-۸۱ | تمام وقت | ۸۸۱ | ۱۷۰۲ | ۹۵۰۴ | ۹۵۹۸ | ۵۰۱ | ۲۲۱۸۶ |
| | نیمه وقت | ۴۲۳ | ۸۳۶ | ۴۳۹۱ | ۵۳۵۷ | ۳۶۱ | ۱۱۳۶۸ |
| | جمع | ۱۳۰۴ | ۲۵۳۸ | ۱۳۸۹۵ | ۱۴۹۵۵ | ۸۶۱ | ۳۳۵۵۳ |
| ۸۱-۸۲ | تمام وقت | ۹۶۳ | ۱۹۰۵ | ۱۰۱۶۴ | ۹۳۸۵ | ۴۷۴ | ۲۲۸۹۱ |
| | نیمه وقت | ۴۹۳ | ۹۷۰ | ۴۳۸۹ | ۵۶۷۲ | ۴۰۱ | ۱۱۹۲۶ |
| | جمع | ۱۴۵۶ | ۲۸۷۵ | ۱۴۵۵۳ | ۱۵۰۵۷ | ۸۷۶ | ۳۴۸۱۷ |
| ۸۲-۸۳ | تمام وقت | ۹۷۳ | ۲۰۰۹۷۶ | ۱۱۰۱۲ | ۹۲۸۱ | ۳۸۹ | ۲۳۶۶۴ |
| | نیمه وقت | ۶۸۳ | ۱۳۱۶ | ۵۵۶۷ | ۶۰۶۶ | ۶۲۸ | ۱۴۲۶۰ |
| | جمع | ۱۶۵۶ | ۳۳۲۵ | ۱۶۵۷۹ | ۱۵۳۴۷ | ۱۰۱۷ | ۳۷۹۲۴ |
| ۸۳-۸۴ | تمام وقت | ۱۱۱۱ | ۲۳۵۷ | ۱۲۲۲۴ | ۹۳۴۳ | ۳۶۹ | ۲۵۴۰۴ |
| | نیمه وقت | ۷۵ | ۱۱۹۰ | ۵۶۴۹ | ۶۱۹۹ | ۴۵۰ | ۱۴۲۳۸ |
| | جمع | ۱۸۶۱ | ۳۵۴۷ | ۱۷۸۷۳ | ۱۵۵۴۲ | ۸۱۹ | ۳۹۶۴۲ |
| ۸۴-۸۵ | تمام وقت | ۱۲۹۷ | ۲۷۶۵ | ۱۲۲۹۵ | ۸۹۴۵ | ۳۷۸ | ۲۵۶۸۰ |

| | | | | | | |
|----------|------|------|-------|-------|-----|-------|
| نیمه وقت | ۴۴۵ | ۷۳۲ | ۴۵۳۱ | ۶۷۷۹ | ۴۷۶ | ۱۲۹۶۳ |
| جمع | ۱۷۴۲ | ۳۴۹۷ | ۱۶۸۲۶ | ۱۵۷۲۴ | ۸۵۴ | ۳۸۶۴۳ |
| تمام وقت | ۱۳۵۳ | ۲۸۲۲ | ۱۲۸۱۷ | ۸۳۴۹ | ۳۱۱ | ۲۵۶۵۲ |
| نیمه وقت | ۶۵۲ | ۹۷۵ | ۴۶۷۷ | ۵۸۲۶ | ۶۴۵ | ۱۲۷۷۵ |
| جمع | ۲۰۰۵ | ۳۷۹۷ | ۱۷۴۹۴ | ۱۴۱۷۵ | ۹۵۶ | ۳۸۴۲۷ |
| تمام وقت | ۱۴۹۱ | ۳۱۳۵ | ۱۴۱۴۰ | ۱۰۳۱۳ | ۲۲۸ | ۲۹۳۰۷ |
| نیمه وقت | ۳۲۶ | ۴۶۱ | ۴۳۸۴ | ۱۶۵۹۱ | ۲۷۹ | ۲۲۰۴۱ |
| جمع | ۱۸۱۷ | ۳۵۹۶ | ۱۸۵۲۴ | ۲۶۹۰۴ | ۵۰۷ | ۵۱۳۴۸ |

جدول ۷- تعداد و نحوه همکاری اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد
به تفکیک مرتبه علمی بین سالهای ۱۳۸۷-۱۳۷۷

| سال تحصیلی | نحوه همکاری | استاد | دانشیار | استادیار | مربی | مربی آموزشی | بدون مرتبه علمی | تعداد کل |
|------------|-------------|-------|---------|----------|------|-------------|-----------------|----------|
| ۷۷-۷۸ | تمام وقت | ۹۲ | ۱۲۸ | ۸۵۹ | ۴۸۰۷ | ۱۵۰ | - | ۱۸۷۴۷ |
| | نیمه وقت | ۳۷۴ | ۱۸۸ | ۸۲۱ | ۱۳۱۵ | ۱۹ | - | |
| | حق التدریس | ۳۰۵ | ۲۷۷ | ۱۰۸۵ | ۴۹۳۵ | ۷۵۰ | ۲۵۸۲ | |
| ۷۸-۷۹ | تمام وقت | ۹۷ | ۶۹ | ۹۱۹ | ۵۲۰۹ | ۱۶۲ | - | ۱۹۴۲۰ |
| | نیمه وقت | ۳۸۵ | ۱۸۳ | ۸۶۵ | ۱۲۷۵ | ۶۵ | - | |
| | حق التدریس | ۲۳۸ | ۱۶۳ | ۱۰۳۴ | ۵۲۱۴ | ۷۰۱ | ۲۸۴۱ | |
| ۷۹-۸۰ | تمام وقت | ۱۲۶ | ۸۰ | ۱۰۹۸ | ۶۵۴۷ | ۲۲۳ | - | ۲۳۳۸۵ |
| | نیمه وقت | ۱۷۶ | ۱۹۷ | ۹۷۱ | ۱۲۵۷ | ۴۰ | - | |
| | حق التدریس | ۱۵۸ | ۲۱۲ | ۱۲۲۹ | ۶۲۲۳ | ۸۴۱ | ۳۰۰۷ | |
| ۸۰-۸۱ | تمام وقت | ۳۰۷ | ۹۱ | ۱۲۵۱ | ۶۹۶۷ | ۱۸۳ | - | ۲۴۴۳۴ |
| | نیمه وقت | ۲۲۳ | ۲۰۸ | ۱۰۸۲ | ۱۴۹۸ | ۲۰ | - | |
| | حق التدریس | ۳۱۱ | ۲۱۸ | ۱۴۵۲ | ۷۲۵۱ | ۶۷۹ | ۲۶۹۳ | |
| | تمام وقت | ۸۹ | ۱۱۳ | ۱۸۲۵ | ۸۱۸۸ | ۳۲۴ | - | |

| | | | | | | | | |
|-------|-------|------|-------|------|-----|-----|------------|-------|
| ۳۱۴۱۳ | - | ۴۱ | ۵۹۰ | ۱۲۴۸ | ۲۳۸ | ۲۱۷ | نیمه‌وقت | ۸۱-۸۲ |
| | ۳۸۴۴ | ۱۱۰۰ | ۱۱۱۶۰ | ۱۹۸۳ | ۲۴۲ | ۲۱۱ | حق‌التدریس | |
| | - | ۳۵۹ | ۸۹۷۱ | ۲۲۱۰ | ۱۳۸ | ۱۰۸ | تمام‌وقت | |
| ۳۵۸۱۶ | - | ۱۷ | ۵۴۵ | ۱۳۸۳ | ۲۷۸ | ۲۳۰ | نیمه‌وقت | ۸۲-۸۳ |
| | ۴۹۳۲ | ۱۶۲۲ | ۱۳۱۱۰ | ۱۵۹۸ | ۱۷۸ | ۱۳۷ | حق‌التدریس | |
| | - | ۲۸۶ | ۱۰۵۵۸ | ۲۳۹۵ | ۱۴۳ | ۱۱۳ | تمام‌وقت | |
| ۴۱۵۸۳ | - | ۴۷ | ۷۴۸ | ۱۵۲۵ | ۲۷۹ | ۲۵۱ | نیمه‌وقت | ۸۳-۸۴ |
| | ۵۳۵۸ | ۱۸۵۱ | ۱۵۷۰۸ | ۱۹۳۶ | ۲۲۹ | ۱۵۶ | حق‌التدریس | |
| | - | ۴۶۶ | ۱۱۸۲۳ | ۲۷۵۶ | ۱۴۷ | ۱۱۳ | تمام‌وقت | |
| ۴۸۷۰۸ | - | ۱۷ | ۵۹۶ | ۱۶۳۰ | ۳۰۹ | ۲۵۶ | نیمه‌وقت | ۸۴-۸۵ |
| | ۷۰۹۰ | ۲۵۲۷ | ۱۸۵۸۸ | ۱۹۵۸ | ۱۹۹ | ۲۳۳ | حق‌التدریس | |
| | - | ۴۳۵ | ۱۲۶۲۸ | ۳۰۴۷ | ۱۵۷ | ۱۲۱ | تمام‌وقت | |
| ۵۱۹۹۳ | - | ۲۰ | ۶۱۸ | ۱۶۲۱ | ۳۳۹ | ۲۹۲ | نیمه‌وقت | ۸۵-۸۶ |
| | ۷۷۷۵ | ۲۴۶۵ | ۱۹۹۵۲ | ۲۰۲۶ | ۲۳۰ | ۲۶۷ | حق‌التدریس | |
| | - | ۷۰۵ | ۱۶۵۱۵ | ۳۲۸۴ | ۲۰۹ | ۱۵۰ | تمام‌وقت | |
| ۶۱۴۵۷ | - | ۷ | ۵۱۴ | ۱۳۹۲ | ۲۲۵ | ۱۹۱ | نیمه‌وقت | ۸۶-۸۷ |
| | ۱۰۵۷۰ | ۳۰۶۲ | ۲۱۷۲۰ | ۲۲۱۸ | ۲۱۱ | ۲۵۱ | حق‌التدریس | |

جدول ۸ - تعداد و نحوه همکاری اعضای هیأت علمی دانشگاه غیرانتفاعی
به تفکیک مرتبه علمی بین سالهای ۱۳۸۷ - ۱۳۷۷

| سال تحصیلی | نحوه همکاری | استاد | دانشیار | استادیار | مربی | مربی آموزشیار | جمع کل |
|------------|-------------|-------|---------|----------|------|---------------|--------|
| | تمام‌وقت | ۶ | ۱۰ | ۱۱۴ | ۳۰۲ | ۴۰ | ۴۷۲ |
| ۷۷-۷۸ | نیمه‌وقت | ۳۷ | ۷۲ | ۳۲۵ | ۷۵۳ | ۲۵ | ۱۲۱۲ |
| | جمع | ۴۳ | ۸۲ | ۴۳۹ | ۱۰۵۵ | ۶۵ | ۱۶۸۴ |
| | تمام‌وقت | ۸ | ۸ | ۱۱۲ | ۲۸۸ | ۲۳ | ۴۳۹ |

| | | | | | | | |
|------|-----|------|------|-----|-----|----------|-------|
| ۱۰۶۵ | ۳۴ | ۶۵۴ | ۲۹۵ | ۴۹ | ۳۳ | نیمه‌وقت | ۷۸-۷۹ |
| ۱۵۰۴ | ۵۷ | ۹۴۲ | ۴۰۷ | ۵۷ | ۴۱ | جمع | |
| ۴۶۷ | ۴۴ | ۲۴۹ | ۱۵۷ | ۱۱ | ۶ | تمام‌وقت | |
| ۱۰۵۵ | ۵۶ | ۷۱۰ | ۲۲۵ | ۳۹ | ۲۵ | نیمه‌وقت | ۷۹-۸۰ |
| ۱۵۲۲ | ۱۰۰ | ۹۵۹ | ۳۸۲ | ۵۰ | ۳۱ | جمع | |
| ۷۳۱ | ۳۵ | ۴۸۲ | ۱۸۶ | ۱۵ | ۱۳ | تمام‌وقت | |
| ۱۰۳۸ | ۵۲ | ۶۱۸ | ۲۹۸ | ۴۳ | ۲۷ | نیمه‌وقت | ۸۰-۸۱ |
| ۱۷۶۹ | ۸۷ | ۱۱۰۰ | ۴۸۴ | ۵۸ | ۴۰ | جمع | |
| ۶۴۲ | ۲۵ | ۴۳۱ | ۱۴۶ | ۲۵ | ۱۵ | تمام‌وقت | |
| ۱۴۱۰ | ۲۵ | ۹۱۶ | ۳۴۵ | ۷۹ | ۴۵ | نیمه‌وقت | ۸۱-۸۲ |
| ۲۰۵۲ | ۵۰ | ۱۳۴۷ | ۴۹۱ | ۱۰۴ | ۶۰ | جمع | |
| ۶۷۰ | ۲۲ | ۴۶۷ | ۱۴۸ | ۲۲ | ۱۱ | تمام‌وقت | |
| ۱۴۶۰ | ۴۸ | ۹۴۸ | ۳۷۰ | ۵۸ | ۳۶ | نیمه‌وقت | ۸۲-۸۳ |
| ۲۱۳۰ | ۷۰ | ۱۴۱۵ | ۵۱۸ | ۸۰ | ۴۷ | جمع | |
| ۸۷۶ | ۲۰ | ۶۱۳ | ۱۸۰ | ۲۴ | ۳۹ | تمام‌وقت | |
| ۱۶۱۵ | ۲۰ | ۱۰۷۹ | ۴۲۸ | ۶۶ | ۵۸ | نیمه‌وقت | ۸۳-۸۴ |
| ۲۵۲۷ | ۴۰ | ۱۶۹۲ | ۶۰۸ | ۹۰ | ۹۷ | جمع | |
| ۱۰۳۶ | ۳۹ | ۷۰۵ | ۲۳۱ | ۲۸ | ۳۱ | تمام‌وقت | |
| ۲۳۰۷ | ۱۰۶ | ۱۵۶۵ | ۵۰۵ | ۸۳ | ۴۸ | نیمه‌وقت | ۸۴-۸۵ |
| ۳۳۴۱ | ۱۴۵ | ۲۲۷۰ | ۷۳۶ | ۱۱۱ | ۷۹ | جمع | |
| ۱۶۳۳ | ۳۳ | ۱۲۳۴ | ۳۰۲ | ۲۷ | ۳۷ | تمام‌وقت | |
| ۶۲۵۷ | ۲۶۵ | ۴۷۸۸ | ۹۴۱ | ۱۵۹ | ۱۰۴ | نیمه‌وقت | ۸۵-۸۶ |
| ۷۸۹۰ | ۲۹۸ | ۶۰۲۲ | ۱۲۴۳ | ۱۸۶ | ۱۴۱ | جمع | |
| ۱۹۷۷ | ۳۸ | ۱۲۸۰ | ۵۱۶ | ۶۷ | ۷۶ | تمام‌وقت | |
| ۷۴۵۴ | ۱۹۳ | ۶۱۷۳ | ۸۶۱ | ۱۲۷ | ۱۰۰ | نیمه‌وقت | ۸۶-۸۷ |
| ۹۴۳۱ | ۲۳۱ | ۷۴۵۳ | ۱۳۷۷ | ۱۹۴ | ۱۷۶ | جمع | |

نتیجه‌گیری

از آنجا که یکی از مهمترین اهداف آموزش عالی، تربیت نیروی انسانی متخصص است، لذا سرمایه‌گذاری در آموزش عالی یکی از اساسی‌ترین راهها برای دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی محسوب می‌شود. طی دهه‌های گذشته تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی روند رو به رشدی داشته است که این در نتیجه افزایش ثبت‌نام‌ها علی‌رغم ظرفیت ناکافی مالی بوده است. به همین علت نظام‌های آموزش عالی سعی کرده‌اند، از طریق ارائه آموزش عالی خصوصی و نیز آموزش از راه دور، تعداد دانشجوی بیشتری ثبت‌نام و پذیرش کرده و متقاضیان بیشتری را تحت پوشش قرار دهند. طی سالهای اخیر در کشور جمهوری اسلامی ایران که از ساختار جمعیتی بسیار جوانی برخوردار است، آموزش عالی خصوصی که بخش اعظم آن را دانشگاه آزاد اسلامی تشکیل می‌دهد؛ رشد چشمگیری داشته و آموزش تعداد کثیری از دانشجویان کشور را بر عهده گرفته است. تا جایی که تعداد دانشجویانی که اکنون در این بخش مشغول به تحصیل هستند، بیش از دانشجویان بخش دولتی است (بازرگان، ۲۰۰۰). در این میان چنانچه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بخواهند به‌طور مطلوب مأموریت‌های خود را انجام دهند، لازم است اطمینان‌ذی‌نفعان خود (جامعه، هیأت علمی، دانشجویان، دولت و غیره) را نسبت به این موضوع که کوشش‌های دانشگاهی از کیفیت لازم برخوردار است، جلب کنند و از سازوکارهای لازم برای بهبود کیفیت استفاده کنند (بازرگان، حجازی و اسحاقی، ۱۳۸۶). گسترش، تنوع و خصوصی‌سازی نظام‌های آموزش عالی در سراسر دنیا، چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای توسعه یافته به‌طور روزافزون با کیفیت آموزش عالی در ارتباط تنگاتنگی بوده است. نتایج به‌دست آمده، نشان می‌دهد؛ طی سه دهه گذشته نسبت جمعیت دانشجویی در ایران به افراد گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ از ۵ درصد به بیش از ۲۰ درصد افزایش یافته است (رحیمی، ۱۳۸۷).

همچنین در ارتباط با موضوع این پژوهش سوابق تحقیقاتی گسترده‌ای در داخل کشور وجود نداشته و این پژوهش برای اولین بار به‌طور گسترده به این مقوله پرداخته

است، در سطح بین‌المللی افرادی همچون لوین (۲۰۰۴)، لوی (۲۰۰۶) و مؤسساتی همچون یونسکو با انجام تحقیقات گسترده‌ای در سطح آموزش عالی نشان دادند که آموزش عالی خصوصی در بیشتر نقاط دنیا سهم گسترده‌ای در میزان ثبت‌نام‌ها در بخش آموزش عالی دارند. نتایج این پژوهش هم متمرکز بر این واقعیت است که روند رو به رشد مؤسسات آموزش عالی خصوصی در کشور ایران در سطح بالایی قرار دارد. به‌طور کلی داده‌های گردآوری شده گویای آن است که در سال تحصیلی ۱۳۸۷ - ۱۳۸۶، ۷۴۱ مؤسسه آموزش عالی در ایران در حال فعالیت بوده‌اند که بیش از نیمی از آنها را (۴۸۰ مؤسسه) دانشگاه‌های خصوصی تشکیل داده است. این در حالی است که در سال ۱۳۶۲-۱۳۶۱ فقط ۹ واحد دانشگاه آزاد در ایران دایر بوده است که این تعداد در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ به ۲۲۰ واحد رسیده است. تا قبل از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران، تنها مؤسسات آموزش عالی دولتی فعالیت می‌کردند که البته چند مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی هم وجود داشته است. آمار و ارقام به دست آمده، بیانگر آن است که روند ثبت‌نام‌ها در مؤسسات آموزش عالی خصوصی از سال ۱۳۶۳-۱۳۶۲ تا سال ۱۳۸۷ - ۱۳۸۶ رشد قابل توجهی داشته است. در سال تحصیلی ۱۳۶۳-۱۳۶۲ تعداد ۱۲۳۱۰۲ دانشجو در این مؤسسات مشغول به تحصیل بوده‌اند، ولی این تعداد در سال ۱۳۸۷ - ۱۳۸۶ به ۳۳۹۱۸۵۲ رسیده است. آمار نشان می‌دهد، تعداد ثبت‌نام‌ها در آموزش عالی خصوصی بیش از دو برابر آموزش عالی دولتی بوده است و این نشان‌دهنده مشارکت هرچه بیشتر بخش خصوصی در آموزش عالی ایران است. همچنین اطلاعات به دست آمده از اسناد نشان داده است، بین مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه آزاد بیشترین رشد ثبت‌نام، مربوط به دوره کارشناسی بوده است. به نحوی که ۶۰ درصد ثبت‌نام‌های این دانشگاه در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ مربوط به این مقطع بوده است. سپس بیشترین ثبت‌نام‌ها، به ترتیب به دوره‌های کاردانی، دکتری حرفه‌ای و دکتری تخصصی اختصاص دارد. به‌طورکلی روند ثبت‌نام دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی این دانشگاه روندی صعودی داشته است. ولی در دانشگاه غیرانتفاعی وضعیت به‌گونه دیگر است؛ آمار به دست آمده از میزان مشارکت دانشجویان زن در آموزش عالی کشور ایران نشان

می‌دهد، درصد کل دانشجویان زن در مؤسسات آموزش عالی ایران در سال ۱۳۶۲-۱۳۶۱، ۳ درصد بوده است که به ۵۳/۱ درصد در سال ۸۷-۱۳۸۶ افزایش یافته است. این آمار نشان می‌دهد که برابری جنسی در ورود به آموزش عالی نه تنها به مرور افزایش یافته، بلکه طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۰ زنان در آموزش عالی ایران مشارکت بیشتری از مردان داشته‌اند. مقایسه این مورد در بین دانشگاههای دولتی و خصوصی نشان می‌دهد، روند مثبت‌نام دانشجویان زن در مؤسسات آموزش عالی دولتی رشد بیشتری از مؤسسات آموزش عالی خصوصی داشته است.

در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶، سهم دانشجویان زن در دانشگاههای دولتی بیش از ۵۹ درصد، دانشگاه آزاد ۴۶ درصد و دانشگاه غیرانتفاعی ۵۲ درصد بوده است. دانشگاههای دولتی در سال تحصیلی ۱۳۷۸-۱۳۷۷، تعداد ۲۷۴۷۴ عضو هیأت علمی پاره‌وقت و تمام‌وقت داشته‌اند که این تعداد به ۵۱۳۴۸ عضو هیأت علمی در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ یعنی کمتر از دو برابر افزایش یافته است. این در حالی است که طی همین مدت تعداد دانشجویان ثبت‌نام‌کننده در این دانشگاه افزایش سه برابری داشته است و این نشان از به هم خوردن تناسب هیأت علمی به دانشجو در دانشگاههای دولتی دارد. طی همین مدت هیأت علمی دانشگاه آزاد از ۱۸۷۴۷ به ۶۱۴۵۷ یعنی بیش از سه برابر و تعداد دانشجو از ۶۶۶۵۲۹ به ۱۳۰۲۵۶۹ یعنی کمتر از دو برابر رشد داشته است. در دانشگاه غیرانتفاعی، تعداد هیأت علمی از ۱۶۸۴ به ۹۴۳۱ و تعداد دانشجو از ۱۴۶۲۷ به ۱۳۹۴۰۴ و به ترتیب بیش از ۵ و ۹ برابر افزایش یافته است.

در نتیجه باید گفت، خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران طی سه دهه گذشته از نظر کمی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته و توانسته آموزش تعداد زیادی از جوانان کشور را بر عهده گیرد، اما توجه بیش از حد به کمیت، حفظ کیفیت همزمان با ایجاد فرصت‌های بیشتر یادگیری به‌منظور پاسخ دادن به تقاضای اجتماعی در آموزش عالی را تبدیل به یکی از دغدغه‌های نظام آموزش عالی ایران طی سالهای اخیر نموده است. بنابراین لازم است دانشگاهها فعالیتهای خود را مورد ارزیابی قرار داده و بهبود هرچه بیشتر آن را در دستور کار خود قرار دهند. همچنین با توجه به تقاضای روزافزون برای

ورود به آموزش عالی در کشور ایران که به طبع با رشد ظرفیت دانشگاهها به ویژه دانشگاههای خصوصی نیز همراه بوده است، برنامه‌ریزی صحیح، به‌منظور بهره‌برداری هرچه بیشتر از این نیروی جوان متخصص که روز به‌روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

منابع

- اداره کل اسناد و املاک دانشگاه آزاد اسلامی. (۱۳۷۹)، *حدیث آفرینش*، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- اداره کل اسناد و املاک دانشگاه آزاد اسلامی. (۱۳۸۳)، *دانشگاه آزاد اسلامی از نمای نزدیک*، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۳)، *ارزشیابی آموزشی (مفاهیم، الگوها، فرایندهای عملیاتی)*، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
- بازرگان، عباس. یوسف حجازی و فاخته اسحاقی. (۱۳۸۶)، *فرایند اجرای ارزیابی درونی در گروههای آموزشی دانشگاهی (راهنمای عملی)*، تهران، نشر دوران.
- دفتر مطالعات و آموزش نیروی انسانی. (۱۳۸۷)، *آیینیه تدبیر و تلاش، جستاری در ربع قرن تلاش دانشگاه آزاد اسلامی*، تهران، سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی.
- رحیمی، محسن. (۱۳۸۷)، «ارزیابی درونی و برونی درون - دانشگاهی گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- سرمد، زهره و عباس بازرگان و الهه حجازی. (۱۳۷۹)، *روشهای تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، نشر آگه.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۹)، *بررسی مراحل تحول دانشگاه در ایران*، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.
- کشاورز، محسن. (۱۳۸۷)، «ارزیابی کیفیت دوره دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاههای دولتی شهر تهران براساس چارچوب ارزیابی درونی مدیریتی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. (۱۳۷۶)، *گزیده مقالات دایرةالمعارف آموزش عالی*. ویراستاران یوسف محمدنژاد و داود حاتمی، تهران.
محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۰)، *تاریخ مؤسسات تملنی جدید در ایران*، تهران، دانشگاه تهران.
مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. (۸۶ - ۸۵)، *آمار آموزش عالی*.

Altbach, P.H. (1999). *Private higher education: themes and variations in Comparative perspective*. prospect, vol. xxix, no 3.

Bazargan, A. (2007). *Problems of Organizing and Reporting Internal and External Evaluation in Developing Countries: The Case of Iran*, Quality in Higher Education, Vol 13, No 3, PP 207 – 214.

Bazargan, A. (2000). *Internal evaluation as an approach to revitalize university systems: The case of the Islamic Republic of Iran*. Higher Education Policy, Vol 13. No 2, June 1, PP 173 – 80.

Bazargan, A. (2002). *Issues and Trends in Quality Assurance And Accreditation: A Case Study of Iran*. Proceedings of The First Global Forum in International Quality Assurance Accreditation and The Recognition of Qualification in Higher Education, UNESCO, Paris: 17 – 18. Oct 2002 Paris: UNESCO

Blumenstyk, G. (2003). *for profit colleges attract a gold rush of investors*. the chronicle of higher education, march 14.

jablecka, J. (2007). *The rising role and relevance of private higher education in europe*, poland. unesco. paris

Johnstone, D. (2003). *Privitization*. in jame j. forestand Kevin kinsler. higher education in united state: an encyclopedia. santa Barbara. abc-clio.

Levine, A. (2004). *Privitizationin higher education*. columbia: Columbia university press.

- Levy, D.C. (2006a). *The unanticipated explosion: private higher education global surge*. comparative education review 50, PP 217 – 240 .
- Levy, D.C. (2006b). *An introductory global overview: The private fit to salient higher education tendencies*. prophe working papare. no 7 . september.
- Levy, D.C. (2008). Access through private higher education: *global pattern and Indian illustrations*. prophe working papare. No 7 . April
- Martin, M. & Stella, A. (2007), *External Quality Assurance in Higher Education: making choices: Paris: UNESCO-IIEP*
- Mizkaci, F. (2007). *The rising role and relevance of private higher education in europe, turkey*. unesco. paris.
- Sanyal, B.C., Martin, M. (2006) . Financing higher education: International perspectives. In: GUNI, *Higher education in the world 2006* . Series on the social commitment of universities 1. Palgrave Macmillan.
- Stannek, A. and Ziegele, F. (2007) . *The rising role and relevance of private higher education in europe, Germany*. unesco. paris.
- Stella, A. (2003) . *External quality assurance in Indian higher education: Case study on the National Assessment and Accreditation Council (NAAC)*. Paris: IIEP-UNESCO.
- Suspitsin, D. (2007). *The rising role and relevance of private higher education in europe, the Russian federation*. unesco. paris.
- Tilaj, T. (1991) . *The privatization of higher education*. prospect, xxi, 2 .
- trivellato, P. (2007). *The rising role and relevance of private higher education in Europe, Italy*. unesco. paris.
- Unesco. (1995). *private higher education in Asian and pacific: regional seminar*. Xiamen, china.

Unesco. (2002). *Higher education in 21st century*. word conference of higher education. paris: unesco.

تاریخ وصول: ۸۸/۲/۷

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۰/۹